

# جایگشت «حلقه‌های میانی» در حکمرانی مردمی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۲/۱۴

شماره مسلسل:

۲۱۴۷۶



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

جایگشت «حلقه‌های میانی» در حکمرانی مردمی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

دفتر مطالعات حکمرانی

تهیه و تدوین کنندگان:

نفیسسه اخوان نیلچی، توحید اسماعیل پور، محمد امین شفیعخانی

مدیر مطالعه:

توحید اسماعیل پور

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

ناظر علمی خارج از مرکز:

دکتر محمدرضا اسماعیلی گیوی (دانشیار دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران)

اظهار نظر کنندگان:

محمدحسین طاهری، علیرضا جمالی

همکار:

حیدر نجفی رستاقی

گرافیک و صفحه آرایی:

ساجده زارع مرزی

ویراستار ادبی:

اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. حلقه میانی
۲. نهاد میانجی
۳. حکمرانی مردمی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۰۲/۳۱



## فهرست مطالب

۷.....	چکیده.....
۸.....	خلاصه مدیریتی.....
۹.....	۱. مقدمه.....
۱۰.....	۲. پیشینه.....
۱۰.....	۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز.....
۱۱.....	۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب شناسی.....
۱۳.....	۳. میانی.....
۱۳.....	۳-۱. جمهوری اسلامی و لیبرال دمکراسی.....
۱۴.....	۳-۲. نظام امام و امت (حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی).....
۱۵.....	۳-۳. نظریه ولایت (ولایت طولی و ولایت عرضی).....
۱۶.....	۳-۴. جایگاه و نقش مردم در جمهوری اسلامی.....
۱۷.....	۴. حلقه‌های میانی.....
۱۷.....	۴-۱. «حرکت عمومی»؛ موقعیت تعریف حلقه‌های میانی.....
۱۸.....	۴-۲. فرایند شکل‌گیری حرکت عمومی و جایگاه حلقه‌های میانی.....
۱۹.....	۵. فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و صورت‌بندی حلقه‌های میانی.....
۲۰.....	۵-۱. تحلیل و صورت‌بندی حلقه‌های میانی.....
۲۲.....	۵-۲. رسالت حلقه‌های میانی.....
۲۳.....	۵-۳. ویژگی‌های حلقه‌های میانی.....
۲۵.....	۵-۴. کارکردهای حلقه‌های میانی.....
۲۶.....	۵-۵. چالش‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی.....
۱۹.....	۶. نسبت حلقه‌های میانی و نهادهای مشابه.....
۲۸.....	۶-۱. نسبت حلقه‌های میانی و جامعه مدنی.....
۲۹.....	۶-۲. نسبت حلقه‌های میانی با سایر نهادهای میانجی.....
۳۳.....	۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۳۶.....	منابع و مأخذ.....

## فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی ..... ۱۰

جدول ۲. پیشنهاد توصیه‌های سیاستی ویژه گزارش‌های راهبردی ..... ۳۵

## فهرست شکل‌ها

شکل ۱. عناصر مورد نیاز یک حرکت عمومی ..... ۱۸

شکل ۲. تعریف حلقه‌های میانی ..... ۲۰

شکل ۳. ویژگی‌های حلقه‌های میانی ..... ۲۳

شکل ۴. کارکردهای حلقه‌های میانی ..... ۲۵

شکل ۵. تفاوت حلقه‌های میانی با جامعه مدنی ..... ۲۸

شکل ۶. تفاوت حلقه‌های میانی با حزب ..... ۳۱



## جایگشت «حلقه های میانی» در حکمرانی مردمی

Doi: [10.22034/mrc.report.21476](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21476)

چکیده



جمهوری اسلامی ایران با الهام از نظریه ولایت فقیه و مفهوم «نظام امامت و امت»، الگویی منحصر به فرد از حکمرانی را ارائه می دهد که در آن حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی تعریف می شود. این گزارش با رویکردی مقایسه ای به بررسی تفاوت های بنیادین این نظام با لیبرال دمکراسی می پردازد و نقش محوری حلقه های میانی را در پیوند بین دولت و جامعه تحلیل می کند. داده های پژوهش به روش مصاحبه نیمه ساختارمند گردآوری و با مصاحبه با دوازده نفر از خبرگان و صاحب نظران در زمینه حلقه های میانی و تحلیل داده ها با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، چارچوب مفهومی حلقه های میانی (تعریف حلقه های میانی، ویژگی ها و کارکردهای حلقه های میانی، نسبت حلقه های میانی و جامعه مدنی و نسبت حلقه های میانی با سایر نهادهای میانجی) صورت بندی شده است. یافته ها نشان می دهد که حلقه های میانی با کارکردهایی مانند سازماندهی مجموعه های مردمی، شناسایی و حل مسائل اساسی و اقناع اعتماد آفرینی، ارکان ضروری تحقق «حرکت عمومی» در جمهوری اسلامی ایران محسوب می شوند. با این حال، چالش هایی چون ضعف ساختاری و مدیریتی، کارآمدی آنها را محدود کرده است. این گزارش با ارائه راهکارهای عملیاتی مانند تقویت استقلال مالی، ایجاد تعامل سازنده با نهادهای حکومتی و حاکمیتی و آموزش نیروهای مردمی، چارچوبی برای ارتقای نقش این نهادها پیشنهاد می دهد. نتایج پژوهش بر این نکته تأکید دارد که تغییر نگرش حاکمیتی از «مدیریت حلقه های میانی» به «همکاری با آنها»، شرط لازم برای تحقق مردم سالاری دینی است.

**■ بیان / شرح مسئله**

نظام امامت و امت در اندیشه سیاسی اسلام الگوی بدیعی از حکمرانی ارائه می‌دهد که حاکمیت الهی و مردمی را در طول یکدیگر تعریف می‌کند. این نظریه از یکسواستبداد فردی و از سوی دیگر از لیبرال دموکراسی سکولار متمایز می‌شود. امام خمینی (ره) اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را بر پایه «امامت» بنا نهاد که در آن مشارکت مردم، می‌تواند تا حد تجلی اراده الهی در عرصه اجتماعی صورت‌بندی شود. این نظام با نفی هر گونه استثمار و سلطه‌پذیری، همزمان به اثبات هویت ملی - دینی و ایجاد ظرفیت برای نقش آفرینی حداکثری مردم می‌پردازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل (۵۶) این تلفیق را نهادینه کرده است؛ جایی که حاکمیت الهی به معنای حاکمیت قوانین شرعی، و حاکمیت مردمی به معنای اعمال اراده عمومی در چارچوب این قوانین تعریف می‌شود. این الگو نه فقط بدیلی برای نظام‌های سیاسی رایج ارائه می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی با محوریت مردم در ذیل رهبری فقیه جامع‌الشرایط است.

تحول جوامع از طریق تحول فردی و اراده جمعی مردم صورت می‌گیرد؛ همان‌گونه که قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره رعد بر این اصل تأکید دارد. شکل‌گیری اراده انسانی مراحل مشخص دارد: تصور عمل و نتایج آن، درک اولویت آن برای رسیدن به اهداف، ایجاد شوق به خیر و کمال، و در نهایت تصمیم‌گیری و اقدام. این فرایند محرک اصلی تحولات اجتماعی و بنیان‌شکل‌گیری تمدن اسلامی است. امام خمینی (ره) با درک این مکانیزم، مردم‌سالاری دینی را به عنوان الگویی بدیع مطرح کرد که در آن مشارکت فعال مردم در چارچوب ارزش‌های اسلامی، هم از استبداد فردی جلوگیری می‌کند و هم از محدودیت‌های دموکراسی‌های لیبرال فراتر می‌رود.

مردم در نظام اسلامی نه فقط انتخاب‌کنندگان که کنشگران اصلی عرصه‌های مختلف به‌شمار می‌روند. همان‌گونه که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) تأکید دارند، حضور مردم در تمام صحنه‌ها کلید حل مشکلات است و هیچ جایگزینی ندارد. این نقش آفرینی نیازمند نهاد‌های واسطی به نام «حلقه‌های میانی» است که بتوانند ظرفیت‌های مردمی را هم‌جهت و هم‌افزا کنند. این نهادها همان نقشی را ایفا می‌کنند که روحانیت و اشخاص و گروه‌های میانجی در دوران انقلاب داشتند؛ یعنی تبدیل اراده‌های پراکنده به حرکتی منسجم در مسیر آرمان‌های تکامل و رشد انسان. حتی در حکومت مهدوی موعود نیز این اراده جمعی مؤمنان است که زمینه‌ساز تحقق عدالت جهانی خواهد شد.

«حلقه‌های میانی» به عنوان ساز و کار کلیدی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، نخستین بار توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با دانشجویان (۱۳۹۸/۰۳/۰۱) مطرح شد. ایشان با تأکید بر ضرورت ایجاد «حرکت عمومی» منسجم با ویژگی سرعت و انضباط، با محوریت جوانان متعهد، حلقه‌های میانی را نهاد‌های برنامه‌ریز و هدایتگر این حرکت معرفی کردند. این نهادها که از جنس خود مردم‌اند (نه دولت و نه رهبری)، مسئولیت تبدیل آرمان‌های کلان به راهکارهای عملیاتی را در مسیر تمدن‌سازی اسلامی بر عهده دارند.

حلقه‌های میانی در دو سطح عمل می‌کنند: به عنوان «واسط بین مردم و حکومت» و «موتور محرک تمدن‌سازی». این نهادها با کمک روش‌های نوینی مانند شبکه‌سازی دیجیتال و کمپین‌های مردمی، می‌توانند هم نقش انتقال گفتمان انقلاب به بدنه جامعه را ایفا کنند و هم ظرفیت‌های مردمی را برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا فعال سازند. نمونه‌های عینی مانند برخی تشکلهای دانشجویی نشان می‌دهد که این حلقه‌ها می‌توانند هم‌زمان هم پل ارتباطی باشند و هم پیش‌ران تحولات علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی.

**■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی**

حلقه‌های میانی، شبکه‌های مردمی و نهاد‌های اجتماعی خودجوشی‌اند که در فضایی مستقل از ساختارهای رسمی حکومتی شکل می‌گیرند و نقش حیاتی در تحقق گام دوم انقلاب ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با الهام از مدل موفق دفاع مقدس، به دنبال ایجاد «تحولی نهادی»‌اند تا با

عبور از محدودیت‌های ساختارهای رسمی، امکان مشارکت حداکثری اراده‌های مردمی را فراهم آورند. آنها از پایین به بالا و در بستر واقعی جامعه متولد می‌شوند؛ به گونه‌ای که هم معتمد مردم‌اند و هم در ارتباط دائمی با خواست عمومی جامعه. این حلقه‌ها از یک سو با درک نیازهای جامعه و از سوی دیگر با تبیین سیاست‌های کلان نظام، زمینه‌ساز مشارکت مردمی در تحقق اهداف انقلاب می‌شوند.

کارکرد اصلی حلقه‌های میانی، تبدیل آرمان‌های انقلاب به برنامه‌ها و میدان‌های عملیاتی در سطح جامعه است. این نهادها با تفسیر گفتمان رهبری و انطباق آن با نیازهای روز، هم‌جهتی مردم و نظام را تقویت می‌کنند. آنها از طریق شبکه‌سازی، ظرفیت‌های مردمی را فعال می‌سازند و با ایفای نقش واسطه‌ای، هم‌خواسته‌های مردم را به حاکمیت انتقال می‌دهند و هم سیاست‌های کلان را برای جامعه شفاف‌سازی می‌کنند. حلقه‌های میانی به‌عنوان موتور محرکه تمدن‌سازی اسلامی، صرفاً انتقال‌دهنده پیام نیستند، بلکه با ایجاد تشکیلات منسجم، زمینه تحول اجتماعی را فراهم می‌کنند. ویژگی کلیدی آنها مردمی بودن، غیردولتی بودن و عمل در چارچوب آرمان‌های انقلاب است. موفقیت این حلقه‌ها در گروی توانایی آنها در تبدیل ایده‌های کلان به اقدامات عملی (خرد و فراگیر) و ایجاد پیوند پایدار بین امام و امت است.

این نهادها در مدل جمهوری اسلامی، برخلاف نهادهای مدنی غربی، نه فقط به انتقال خواسته‌های مردم به حکومت می‌پردازند، بلکه آرمان‌های الهی را به برنامه‌های عملیاتی تبدیل می‌کنند.

موفقیت حلقه‌های میانی در گروی ویژگی‌هایی مانند مردمی بودن، نخبه‌گرایی، تشکیلات محوری و آرمان‌گرایی است.

### ■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

برای تقویت حلقه‌های میانی، این راهکارها پیشنهاد می‌شود:

- تعریف سازوکارهای قانونی برای به رسمیت‌شناسی نقش حلقه‌های میانی؛
- تقویت شبکه‌های مردمی با آموزش و توانمندسازی نیروهای متعهد؛
- شفاف‌سازی مالی و مدیریتی برای جلب اعتماد عمومی؛
- ایجاد تعامل سازنده با نهادهای حکومتی و حاکمیتی؛
- پرهیز از بوروکراتیک شدن و حفظ روحیه انقلابی و مردمی؛
- حمایت از آموزش نیروهای جوان در مهارت‌های رهبری اجتماعی و مدیریت پروژه‌های مردمی؛
- ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای تسهیل ارتباط بین حلقه‌های میانی، مردم، و نهادهای حکومتی؛
- تقویت الگوی خودسازمان‌دهی به جای مدل‌های متمرکز دولتی.

حلقه‌های میانی به‌عنوان «الگوی نهادی نرم تحقق بیانیه گام دوم انقلاب»، نیازمند بازتعریف نقش خود در حکمرانی مردمی‌اند. راهکارهای مذکور می‌تواند به غلبه بر چالش‌های موجود و تبدیل این نهادها به موتور محرکه حرکت عمومی مردم در جهت پیشرفت کمک کند.

## ۱. مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، به‌مثابه الگویی ویژه از حکمرانی دینی در عصر جدید، با تلفیق «حاکمیت الهی» و «حاکمیت و مشارکت مردمی»، پارادایمی متفاوت از لیبرال‌دمکراسی‌های غربی ارائه می‌کند. در این نظام، «امامت و امت» به‌عنوان دو رکن اساسی، سازوکاری را شکل می‌دهند که در آن مشروعیت حکومت، نه صرفاً بر آرای مردم، بلکه بر احکام الهی و ولایت فقیه استوار است. نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی اسلامی در تمامی سطوح قابل تعریف است. محور کلیدی که زمینه‌ساز و هدایتگر حضور مؤثر، فعال و کارآمد مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی است، «حلقه‌های میانی» می‌باشد. این نوشتار با نقد و بررسی اجمالی دمکراسی غربی و تشریح نسبی جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی، به مبانی و تعریف حلقه‌های میانی در ساختار جمهوری اسلامی و نسبت‌سنجی آن با الگوهای مشابه نهادین خود می‌پردازد.



۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر / سازمان / نهاد	توضیحات
۱	بررسی موانع حکمرانی مردمی در ایران و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی	۱۴۰۲/۰۲/۳۰	۱۸۹۲۹	مطالعات اجتماعی	این گزارش سطوح مشارکت در ساخت سیاستی کشور را آسیب‌شناسی می‌کند و تمرکز نگارشی در نهادمندی میانجی‌گری اجتماعی و به‌ویژه پرداخت به الگوی «حلقه‌های میانی» ندارد. در این گزارش اشاره می‌شود که در قوانین عادی و برنامه‌ای، سه سطح اساسی مشارکت، یعنی تصمیم‌گیری، نظارت و مطالبه‌گری، کم‌رنگ است و تشکلهای مردمی تنظیم و حمایت مناسب را دریافت نکرده‌اند. سوق یافتن مشارکت به سطح اجرا، آن هم با محرک‌های اقتصادی، بدون تقویت و ساختاریابی مناسب بخش مردمی، به چالش‌های جدی در ساختار اجتماعی کشور منجر خواهد شد.
۲	سلسله گزارش‌های پایش مشارکت مردمی گزارش اول: مدل سنجش مشارکت‌های مردمی با تأکید بر جوانان	۱۴۰۳/۰۲/۰۱	۱۹۷۲۸	مطالعات اجتماعی	این گزارش با بهره‌گیری از دیدگاه متفکران و صاحب‌نظران این عرصه، چهار مؤلفه «هویت فرهنگی»، «محرومیت نسبی»، «اعتماد به حکمرانی» و «امید اجتماعی» را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی، با تأکید بر جوانان، معرفی کرده است. لذا می‌تواند زمینه‌ای برای بحث کنونی باشد؛ حال آنکه موضوع گزارش کاملاً متفاوت است.
۳	درآمدی بر حکمرانی مردمی	۱۴۰۲/۰۳/۰۲	۱۸۹۵۶	مطالعات حکمرانی - مطالعات اقتصادی - مطالعات حقوقی - مطالعات مدیریت - مطالعات سیاسی - مطالعات اجتماعی	در این گزارش، با نگاهی جامع به حکمرانی مردمی، توجه به آگاهی، اراده و منابع مردم در حکمرانی و تسهیل شکوفاسازی ظرفیت و توان‌های متنوع مردم و نهادهای مردمی از طریق مشارکت آنها در اداره و پیشرفت کشور طرح می‌شود. در حکمرانی مردمی بایستی این اراده وجود داشته باشد که به‌صورت واقعی، نه نمایشی، قدرت تصمیم‌گیری و اداره در چارچوب معین و مشخص مردم‌سالاری دینی به مردم اعطا شود. در این گزارش به شکل موردی از حلقه‌های میانی در حوزه فرهنگ یاد می‌شود و توضیحی در باب چیستی و چگونگی جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی مردمی بحثی نشده است.

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر / سازمان / نهاد	توضیحات
۵	ظرفیت‌شناسی نهاد مردمی کمیسیون اصلی (۹۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۴/۰۴/۰۸	۲۰۸۱۰	مطالعات حکمرانی	این گزارش به ارائه مجموعه‌ای از درس‌آموخته‌های کاربردی می‌پردازد که هدف این درس‌آموخته‌ها، تبدیل کمیسیون اصل نود از نهادی نظارتی منفعل به بازیگری هوشمند، پاسخ‌گو و تحول‌گرا در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران است؛ نهادی که با تقویت ارتباطات مردمی و تعامل با نخبگان، بتواند نقش مؤثری در اصلاح سیاست‌ها، بهبود قوانین و ارتقای اعتماد عمومی ایفا کند. این گزارش به ظرفیت‌های میانی در سنت حکمرانی کشور پرداخته و مسئله آن متفاوت از پژوهش جاری است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

پیش از این، متونی اندک در قالب مقاله و کتاب تلاش کرده‌اند به این موضوع بپردازند؛ اما وجه تمایز اصلی گزارش حاضر، صورت‌بندی دقیق‌تر این الگو مبتنی بر اقتضائات و حساسیت‌های سیاست‌گذاری عمومی است. از مهم‌ترین آثار پیشین می‌توان به مجموعه دوجلدی «حکمرانی نوین؛ کنکاشی پیرامون هویت و کارکرد حلقه‌های میانی» اشاره کرد. این اثر علی‌رغم عنوان کاملاً مرتبط و تلاش‌های ارزشمند صورت گرفته، مجموعه‌ای از مصاحبه‌های نظری است که فاقد جمع‌بندی تئوریک منسجم می‌باشد. همچنین مقاله «شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده حکمرانی مشارکتی در ایران و سناریوهای پیش‌رو» به قلم نگارنده که بر واکاوی حکمرانی مشارکتی تمرکز دارد، می‌تواند به‌عنوان مکملی برای گزارش سیاستی حاضر در نظر گرفته شود.

## ۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حکمرانی مردمی و نقش مردم و گروه‌های مردمی توجه ویژه شده است. در ادامه به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود.

در مقدمه **قانون اساسی** آمده است: «با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفعی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم إصرهم و الأغلال التي كانت عليهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است، بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (ان الارض يرثها عبادي الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون المصیر حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر)، تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)، و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد».

در ادامه می‌آید: «قانون اساسی زمینه مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری سیاسی و سرنوشت‌ساز را برای همه افراد جامعه فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد.» این عبارت اصل حاکمیت مردم را پذیرفته است. همچنین در اصول (۶) و (۵۹) قانون اساسی، شیوه همه‌پرسی در اداره امور عمومی و قانونگذاری پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب امکان اعمال مستقیم حاکمیت از سوی مردم در قانون اساسی فراهم شده است.



همچنین اصل نمایندگی در قانون اساسی ایران جایگاه رفیعی دارد. این اصل در مقدمه قانون اساسی با عبارات «سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان» و «ایجاد زمینه مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع» ظهور یافته است. ارجاع بعدی در بند هشتم اصل سوم صورت گرفته و بر اساس آن، دولت مکلف است همه امکانات خود را برای تحقق مشارکت عامه در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار گیرد. در اصل ششم، تشکیل هر گونه قدرت سیاسی منوط به آرای مردم و از طریق انتخابات عمومی است.

در اصل اول به شکل‌گیری و تکوین حکومت در تمام اجزای آن با رأی مردم اشاره دارد و تعلق حق الهی و طبیعی تعیین سرنوشت به مردم در اصل پنجاه و ششم بیان شده است. این موارد این حقیقت را روشن می‌سازد که بر اساس حکمرانی اسلامی منطبق بر قانون اساسی، رابطه حقوقی و سیاسی مردم به عنوان اصل و صاحبان اصلی قدرت و کارگزاران و مسئولان به عنوان عامل و پیشکار مردم همواره باید حفظ شود [۱].

### تشکل در قانون اساسی

مشارکت مردم نیازمند برنامه‌ریزی و ایجاد تسهیلات قانونی است که حکومت می‌بایست آن را فراهم کند. از این رو، اصل بیست و ششم قانون اساسی در خصوص نقش‌آفرینی مردم در ساختار حکمرانی و سازمان‌دهی تشکل‌های مردم‌نهاد تصریح کرده است:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

در راستای تحقق مفاد اصل مذکور، مجلس در سال ۱۳۶۰ قانون «[فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده](#)» را به تصویب رساند و وضعیت تشکل‌های سیاسی، انجمن‌های صنفی و انجمن‌های اسلامی را مشخص کرد. اما با اصلاح این قانون در سال ۱۳۹۵ که به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، «تشکل‌های صنفی» از قانون حذف شد و وضعیت آنها بلا تکلیف ماند. به دنبال این بلا تکلیفی، مجلس دهم با تصویب «طرح اصلاح مواد ۱ و ۱۰ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» در سال ۱۳۹۸، به دنبال تعمیم احکام قانون اصلاحی احزاب نسبت به تشکل‌های صنفی برآمد، اما این طرح در پنج مرحله با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد.

از این رو، مجلس با تصویب طرحی مجزا با عنوان «طرح نحوه تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی - تخصصی» در پنجم مردادماه ۱۴۰۱ درصدی رفع خلأ قانونی در این حوزه برآمد. طرح مذکور در سه مرحله با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد و همچنان تا اصلاح نهایی قانون تشکل‌ها که هموارکننده فعالیت جریان حلقه‌های میانی است، مسیری هر چند کوتاه باقی مانده است.

### احزاب در قانون اساسی

قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده است. ماده ۱ - حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرانامه و اساسنامه بوده و توسط گروهی از اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

ماده ۲ - انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن، تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

## سازمان های غیر دولتی در قانون اساسی

سازمان غیر دولتی به تشکل هایی اطلاق می شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی، به صورت داوطلبانه، با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می باشد. واژه «غیر دولتی» به این معناست که دستگاه های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان دولتی در تأسیس و اداره سازمان، در صورتی که خارج از عنوان و سمت دولتی آنان باشد، مانع وصف غیر دولتی سازمان نخواهد بود.

اهداف غیرسیاسی در بر دارنده فعالیت است که مشمول ماده یک قانون احزاب نگردد. اهداف غیرانتفاعی عبارت است از عدم فعالیت های تجاری و صنفی انتفاعی به منظور تقسیم منافع آن بین اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان. داوطلبانه به معنای مشارکت، تأسیس و اداره سازمان بر اساس اصل آزادی اراده اشخاص است.

موضوع فعالیت سازمان مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکو کاری و امور خیریه، بشر دوستانه، امور زنان، آسیب دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی و نظایر آن یا مجموعه ای از آنها می باشد.

## ۳. مبانی

### ۳-۱. جمهوری اسلامی و لیبرال دموکراسی

دموکراسی ها را می توان بر اساس معیارهای گوناگونی مانند ساختار حکومت، سطح مشارکت سیاسی یا تلفیق با ایدئولوژی های دیگر طبقه بندی کرد [۱]. یکی از رایج ترین تقسیم بندی ها، تفکیک دموکراسی به مستقیم و غیر مستقیم (نماینده) است. در دموکراسی مستقیم، شهروندان مستقیماً در فرایندهای تصمیم گیری مشارکت می کنند، در حالی که در دموکراسی نمایندگی، این نقش بر عهده نمایندگان منتخب گذاشته می شود [۲].

با گسترش جمعیت و پیچیدگی جوامع، دموکراسی مستقیم غیر عملی شد و نظام نمایندگی جایگزین آن گردید. در این سیستم، اراده مردم عمدتاً به انتخاب نمایندگان محدود می شود و تصمیم گیری های کلان توسط آنان انجام می گیرد. برخی منتقدان، این روش را انحراف از اصول دموکراسی می دانند، اما در عمل، دموکراسی نمایندگی به عنوان شیوه غالب در جهان شناخته می شود؛ چرا که افزون بر تأمین مشارکت مردم، از حاکمیت غوغا سالاری نیز جلوگیری می کند [۱].

موافقان دموکراسی نمایندگی استدلال می کنند که این نظام، حکومت را به دست نخبگان کارآمد می سپارد که ضمن پاسخ گویی به مردم، در فضایی عقلانی و به دور از هیجانات عمومی تصمیم گیری می کنند. از این رو، نمایندگی را بهترین روش برای تحقق اراده مردم و حکمرانی مؤثر می دانند [۳].

اگرچه دموکراسی به عنوان حکومتی مبتنی بر خواست اکثریت تعریف می شود، اما این سیستم نیز با نقدهایی روبه رو است. برای نمونه، کوهن معتقد است قاعده اکثریت مطلق، منصفانه ترین و دمکراتیک ترین شیوه تصمیم گیری است، زیرا هم از سلطه اقلیت جلوگیری می کند و هم مانع از تحمیل نظر اقلیت بر اکثریت می شود [۴]. با این حال، همچنان مسائلی مانند نقض حقوق اقلیت ها، خطر پوپولیسم و کاهش مشارکت واقعی مردم از کاستی های دموکراسی محسوب می شوند.

دموکراسی نمایندگی نیز به دلیل کارآمدی و امکان حکمرانی منطقی، جایگزین دموکراسی مستقیم شده است. با این حال، چالش هایی مانند تمرکز قدرت در دست نخبگان و محدودیت های حاکمیت اکثریت، موجب نقدهای جدی به این سیستم شده اند.

در این میان، نظام جمهوری اسلامی ایران با ارائه نظریه «مردم سالاری دینی»، راهکاری نوین عرضه کرده است که در آن حاکمیت الهی و خواست مردم در چارچوب ارزش های اسلامی به هم می آمیزد. نظام مردم سالار دینی مفهومی بلیغ است که زادگاه آن جمهوری اسلامی است و مبانی وجودی و محتوایی آن در دین مبین اسلام ریشه دارد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این زمینه می فرماید: «چگونگی پیوند جمهوری و اسلامی خودش یک اصل است، یک موضوع نو است در دنیا. اینکه ما می گوئیم حرف نو داریم، حرف نو ما همین مسئله شکل



حکومت جمهوری اسلامی است» [۶]. همچنین ایشان تصریح می‌کنند: «اسلامیت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند؛ در دل اسلامیت، جمهوریت است. در دل اتکا به حکم الهی، تکیه به مردم و احترام به خواست و رای مردم است» [۷]. مردم‌سالاری دینی به عنوان خوانشی نوین از متن اسلام، جامعیت دین مبین اسلام را در عرصه سیاست به نمایش می‌گذارد و نقش فعال مردم را در اداره جامعه دینی مورد تأکید قرار می‌دهد. این نظریه که پس از انقلاب اسلامی ایران به صورت جدی در کانون توجهات قرار گرفت، پاسخی مستدل به تبلیغات گسترده غرب در مورد برتری دموکراسی لیبرال بود و توانست امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فرد نظام سیاسی اسلام را به جهانیان معرفی کند. این الگوی حکمرانی نه تنها از محدودیت‌های نظری نظام‌های غربی فراتر رفته است، بلکه با ارائه ترکیبی هماهنگ از ارزش‌های الهی و اراده مردمی، مسیر جدیدی در عرصه حکومت‌داری گشوده است. مردم‌سالاری دینی ثابت کرده است که می‌توان در چارچوب ارزش‌های اسلامی، بالاترین سطح مشارکت سیاسی مردم را محقق ساخت.

پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز این تحول بود که در تمدن نوین اسلامی به تکامل می‌رسد. در حقیقت، فرایند تکاملی انقلاب اسلامی ایران که با رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) طراحی شده است، شامل پنج مرحله اساسی است: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی [۸]. این سیر تکاملی به گونه‌ای طراحی شده است که در تمام مراحل، اراده و مشارکت واقعی مردم حضوری فعال دارد. به تعبیر رهبر انقلاب، امت اسلامی مجموعه‌ای زنده و پویاست که ارزش‌های اسلامی را با اراده جمعی خود به پیش می‌برد: «امت اسلامی یعنی این بدنه امت اسلامی زید و عمروی نیستند که به هر وسیله‌ای بر بخشی از بدنه عظیم تسلط پیدا کردند و حکمرانی می‌کنند. امت این بدنه مردم است. برکات و خیرات در این بدنه عظیم است و اراده آنهاست که می‌تواند ارزش‌های اسلامی را جهانگیر و همه‌گیر بکند» [۹].

برای درک صحیح مردم‌سالاری دینی و تبیین جایگاه واقعی مردم در حکومت اسلامی، ضروری است ابتدا مبانی نظری «نظام امت و امامت» و سلسله مراتب ولایی (اعم از ولایت طولی و عرضی) مورد بررسی قرار گیرد. این چارچوب نظری نشان می‌دهد که چگونه مشارکت مردمی، در عین حفظ اصول اسلامی، به شکلی متعالی‌تر نسبت به نظام‌های دموکراتیک متعارف تجلی می‌یابد. در این الگو، مردم نه به عنوان توده‌ای منفعل، بلکه به عنوان بازیگران اصلی در تحقق اراده الهی در جامعه اسلامی عمل می‌کنند.

## ۲-۳. نظام امام و امت (حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی)

نظام امام و امت در اندیشه سیاسی اسلام، به عنوان پارادایمی حکومتی که در آن حاکمیت مردمی در ذیل حاکمیت الهی تعریف می‌شود، از مباحث محوری در فلسفه سیاسی شیعه محسوب می‌گردد. در این نظام، مشروعیت سیاسی رهبری (امام) از دو منبع الهی و مردمی سرچشمه می‌گیرد؛ از یک سو، مقبولیت و انتخاب مردم به عنوان شرط ضروری تحقق عینی حکومت، و از سوی دیگر، انطباق با موازین شرعی و اذن الهی به عنوان مبنای نظری مشروعیت.

این الگوی حکومتی، با پرهیز از حاکمیت مطلقه فردی در نظام استبدادی و حاکمیت مردمی در نظام لیبرال دموکراسی (به دلیل عدم التزام به مرجعیت الهی)، به ارائه راه‌حلی سوم در نظریه‌های حکومتی می‌پردازد.

حاکمیتی که امام خمینی بر آن باور است، نه تنها حاکمیت الهی، بلکه حاکمیتی است که خدا و مردم را هم‌زمان در نظر می‌گیرد و تلفیقی از حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی است؛ لذا از جهتی بر حاکمیت الهی تأکید دارند. برای مثال، ایشان در کتاب البیع می‌نویسند: «اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آرا و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع کنند؛ بلکه حکومت اسلامی نظامی است ملهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رأی نیست. تمام برنامه‌هایی که در زمینه زمامداران جامعه و شئون و لوازم آن جهت رفع نیازهای مردم به اجرا در می‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است.» [۶]

و از سوی دیگر، بر نقش مردم در طول حاکمیت الهی اشاره دارند. لذا ایشان در کتاب البیع به صراحت هر دو گونه حکومت استبدادی و

نظام های مشروطه و جمهوری را نقد می کنند. آن جمهوری تری که قانون گذار فقط بشر باشد و به او امر الهی توجهی نشود، در نگاه ایشان مطرود بوده و حکومتی که در آن جمهوریت با اسلام عجین شده و حاکمیت الهی و حاکمیت مردم نه در عرض یکدیگر و غیر قابل جمع، بلکه در طول هم قرار دارند، تایید می شود: «ما می خواهیم که حکومت هم الهی باشد و موافق حکم خدا و هم با رأی مردم باشد و موافق میل مردم.» [۷]

نهضت امام خمینی نیز در بستر شکل نوینی از مشارکت مردم در پیوند با حاکمیت شکل گرفت که امروزه مردم سالاری دینی گفته می شود. امام خمینی این نظام را در پیام روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ «امامت امت» تعبیر کردند: «خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت های مستضعف نمود و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می کنم.» [۸]

با چنین تعبیری، جمهوری اسلامی ناشی از نوع خاصی از ظرفیت سازی اجتماعی است و قدرت و اراده واقعی مردم را در طول اراده الهی به صحنه می آورد. هر گونه استثمار و استکبار و سلطه پذیری ناشی از حاکمیت فردی و غیر الهی را نفی می کند و حاکمیت حقیقی مردم در طول اراده الهی را با هویت ملی و ارزش های اسلامی تثبیت می نماید. همان گونه که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می فرمایند: «وقتی ما می گوئیم حکومت اسلام یک حکومت مردمی است، معنای این حرف این نیست که حکومت اسلامی، حکومت خدا نیست. معلوم است که همه ادیان الهی به حکومت خدا دعوت کرده اند و همه پیغمبران و جانشینان آنها مردم را به نظامی الهی که در آن حاکمیت از آن خدا و قوانین خدا است، فراخوانده اند؛ اما در اسلام حکومت الله با حاکمیت مردم بر سر نوشت خود منافاتی ندارد. حکومت مردم به معنای حکومت مردم، آن چنان که در دمکراسی های غربی بیان می شود، نیست. حکومت مردم به همان اندازه ای است که بر طبق فرمان خدا به مردم اجازه و امکان تصمیم گیری و اقدام داده شده است و لذا در قرآن درباره بنی اسرائیل می فرماید: وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً؛ یعنی حکومت، حکومت مستضعفان است و این منافاتی ندارد که حکومت مستضعفان به معنای حکومت خدا و در چهار چوب احکام الهی باشد.» [۱۳]

لذا در نظام مردم سالاری دینی، به بهترین نحو همراهی حاکمیت مردم و حاکمیت الهی نشان داده می شود که بیشترین ظرفیت را برای نقش آفرینی مردم مهیا می سازد و این تصور غلط که حاکمیت مردم در تضاد با حاکمیت الهی است را در عمل نفی می کند و به وضوح عنوان می دارد که: «حاکمیت مردم در تضاد با حاکمیت الهی نیست؛ بلکه حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی است و حاکمیت خدا ظرف حاکمیت مردم می باشد. در جمهوری اسلامی مردم محورند؛ مقاصد برای مردم است، هدف ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ این ها مردمی بودن است: رأی مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی.» [۱۴]

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، به عنوان بالاترین سند و محور عمل در جمهوری اسلامی، هم بر این مبنا در اصل (۵۶) به همراهی حاکمیت خداوند و حاکمیت مردم اشاره شده است. حاکمیت خدا را حاکمیت قوانین الهی و حاکمیت مردم را اعمال اراده مردم در تعیین سر نوشت سیاسی - اجتماعی در ذیل قوانین الهی عنوان می دارد.

### ۳-۳. نظریه ولایت (ولایت طولی و ولایت عرضی)

محوری ترین و مبنایی ترین آموزه برقراری نظام ولایی، مبتنی بر سلسله مراتب ولایت است. در مرتبه اول، حق ولایت و حاکمیت تنها از آن خدا دانسته می شود: «فالله هو الولی». بر این اساس، هیچ انسانی بر دیگری ولایت ندارد و اساس بر ولایت پذیری از خداوند متعال و اطاعت است. «اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند است؛ اطاعت از خدای متعال، چند مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است... از این مهم تر، اطاعت خطی است؛ یعنی روش و راه و نقشه ای که خدای متعال برای زندگی معین می کند؛ این را یک مجموعه ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند... این یک کار جمعی نیاز دارد تا نقشه الهی، هندسه الهی در وضع جامعه اسلامی تحقق پیدا کند.» [۱۵]

در مرتبه دوم، ولایت رسول الله مطرح می شود؛ چرا که «ساحت ربوبی، منزله از ماده و محدودیت است، لذا ولایت تشریعی خداوند و ارتباطش



با انسان مادی و حاکمیت و ولایتش از طریق پیامبر اکرم (ص) اعمال می‌شود.» [۹] در قرآن نیز ولایت پیامبر اکرم در کنار ولایت خداوند قرار دارد: «انما وليكم الله ورسوله».

در مرتبه سوم، ولایت ائمه اطهار قرار دارد: «انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راكعون» (سوره مائده، آیه ۵۵).

شان نزول این آیه به امام علی علیه السلام اشاره دارد. «آن کسی که من ولی او هستم، این علی ولی اوست. هر معنایی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیرالمؤمنین با این نصب و معرفی پیغمبر محقق است.» [۱۷]

در مرتبه چهارم، ولایت فقیه قرار می‌گیرد که برگرفته از آیه ۵۹ سوره نساء است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ و أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»

در سلسله مراتب ولایت که از خدا آغاز می‌شود و به ولایت فقیه و در نهایت مردم ختم می‌گردد، تمام نظامات اسلامی شکل می‌گیرد. در کنار این سلسله مراتب ولایت، یا به تعبیری ولایت طولی، ولایت عرضی مؤمنان با یکدیگر نیز وجود دارد که عامل پیوند، وحدت و ایجاد جامعه اسلامی است. آیت الله شاه‌آبادی، استاد عرفان امام خمینی، ولایت طولی و ولایت عرضی را با تعبیر «خیط نبوت» و «خیط ولایت» عنوان کرده و اشاره می‌کند: «بسط معارف و حقایق دیانت... تا به واسطه این دو خیط طولی و عرضی، تحصیل لباس تقوا و جندالله نموده و لشکر کفر و نفاق و فساد را از عالم قلع و قمع نمایند.» [۱۰]

در بخشی از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، رهبری نسبت نظام‌مند این ولایت طولی و عرضی را چنین صورت‌بندی می‌کنند: «اصل معنای ولایت، همان اتصال و ارتباط و پیوستگی است... جامعه اسلامی باید یک نظام به هم پیوسته، یک تشکیلات به هم مرتبط و یک مجموعه دارای هدف و رهبری باشد.» در ادامه نیز این نظام ولایی را در تقابل با نظام طاغوتی قرار می‌دهند و بر جنبه تشکیلاتی آن تأکید می‌کنند. [۱۰]

### ۳-۴. جایگاه و نقش مردم در جمهوری اسلامی

تحول جوامع به تحول افراد از طریق اراده و ایفای نقش آنان انجام می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

این اصل قرآنی نشان می‌دهد که تغییرات اجتماعی ریشه در تحول درونی انسان‌ها دارد و اراده جمعی مردم به عنوان محرک اصلی دگرگونی‌های اجتماعی عمل می‌کند.

شکل‌گیری اراده انسانی مراحل مشخصی دارد:

- تصور روشن از عمل و نتایج آن
- درک مقدمات عمل برای دستیابی به نتایج مطلوب
- ایجاد شوق به خیر و کمال ناشی از آن عمل
- تصمیم‌گیری نهایی برای اقدام

شوق به منفعت و کمال، محرک اصلی اراده انسان است که در نهایت به تصمیم و عمل می‌انجامد. [۱۱] این فرایند، سازوکار اساسی تحولات فردی و اجتماعی را توضیح می‌دهد. شوق و اراده انسان‌هاست که سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی را فراهم می‌آورد؛ لذا انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مسیر حرکت آن برای رسیدن به تمدن اسلامی با الزاماتی روبه‌روست که تحقق آن مستلزم نقش‌آفرینی همه، به ویژه مردم و نهادهای مردمی، است.

مردم‌سالاری در اندیشه امام خمینی دارای شاخصه‌های ممتازی است که آن را از سایر الگوهای مشارکتی متمایز می‌سازد:

- تلفیق اصالت دینی با مشارکت مردمی

■ مسئولیت پذیری اجتماعی در چارچوب ارزش های اسلامی

■ حضور فعال مردم در تمام مراحل حاکمیت، مدیریت و عاملیت

این رویکرد، الگویی بدیع از حکمرانی ارائه می دهد که هم از استبداد فردی جلوگیری می کند و هم از محدودیت های دمکراسی های غربی فراتر می رود. امام خمینی معتقد بودند که نوع نگاه به مردم، حقوق آنان و اراده های مردمی در نظریات موجود کامل نیست و نهایتاً به مردم داری ختم می شود؛ در حالی که در جمهوری اسلامی، حضور مردمی و اراده جمعی آنان در حکمرانی محل توجه جدی است. در حکومت ولایتی، عنصری که به خواست مردم توجه دارد و به آن صورت قابل تحقق می بخشد، ولایت فقیه است [۱۲].

با این اوصاف می توان گفت در انقلاب اسلامی امام خمینی، معنا بخشیدن به ارزش انسان ها و حضور مؤثر توده های میلیونی مردم محقق می شود: «توده های مردم، اصل و تعیین کننده و تصمیم گیرنده اند و آنها هستند که جریان ها را هدایت می کنند» [۲۲]. آنچه از مکتب سیاسی امام خمینی بیان شد، برآمده از دین اسلام است و نباید تصور کرد ایشان تلفیقی از مکاتب غربی با اسلام ارائه کرده اند؛ هر چند به تجربه های مثبت جهانی نیز توجه داشتند. «افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت... کار دست مردم است؛ این پایه اصلی حرکت امام بزرگوار است» [۲۳].

بنابراین، در این نگاه، مردم فقط نقش انتخاب سیاسی و مشارکت حداقلی ندارند؛ بلکه کنشگران اصلی عرصه های مختلف هستند و وظایفی چون حفظ ثبات درونی، مراقبت از روندهای بیرونی و حفظ جایگاه پیشرانی در شرایط پیچیده را بر عهده دارند. همان گونه که قانون اساسی ایران، مردم را صرفاً به عنوان نقش آفرین در انتخابات یا مصرف کننده خدمات دولتی نمی نگرند، بلکه آنان را کنشگران اصلی در پیشرفت و حکمرانی می داند.

## ۴. حلقه های میانی

### ۴-۱. «حرکت عمومی»؛ موقعیت تعریف حلقه های میانی

اصطلاح «حلقه های میانی» در تبیین بیانیه گام دوم و به عنوان پیوست ساختاری و راهبردی تحقق اهداف آن، چند ماه پس از صدور آن، توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱ طرح شده است. ایشان بیانیه گام دوم را در چهار محور راهبردی ذیل صورت بندی می کنند:

۱ توضیح عظمت وقوع و ماندگاری انقلاب (صورت بندی نظری انقلاب اسلامی و موقعیت تاریخی و جهانی آن)

۲ تحلیل عظمت راه طی شده و دستاوردها (پیشرفت های درونزای ملی علی رغم فشارهای بیرونی)

۳ ترسیم عظمت چشم انداز آینده (ترسیم تمدن نوین اسلامی)

۴ تاکید بر عظمت نقش جوان متعهد (نیروی پیشران حرکت عمومی به سمت نقطه تمدنی)

در نقشه راه ایشان برای حرکت در جهت چشم انداز تمدنی و تحقق آن، نیاز به یک حرکت عمومی و مردمی منسجم با ویژگی های مشخصی است:

۱ سرعت و انضباط (پرهیز از شتاب زدگی یا رخوت)

۲ قابلیت اندازه گیری پیشرفت (رصد پیوسته و شاخصه مند در علم، اقتصاد و فرهنگ)

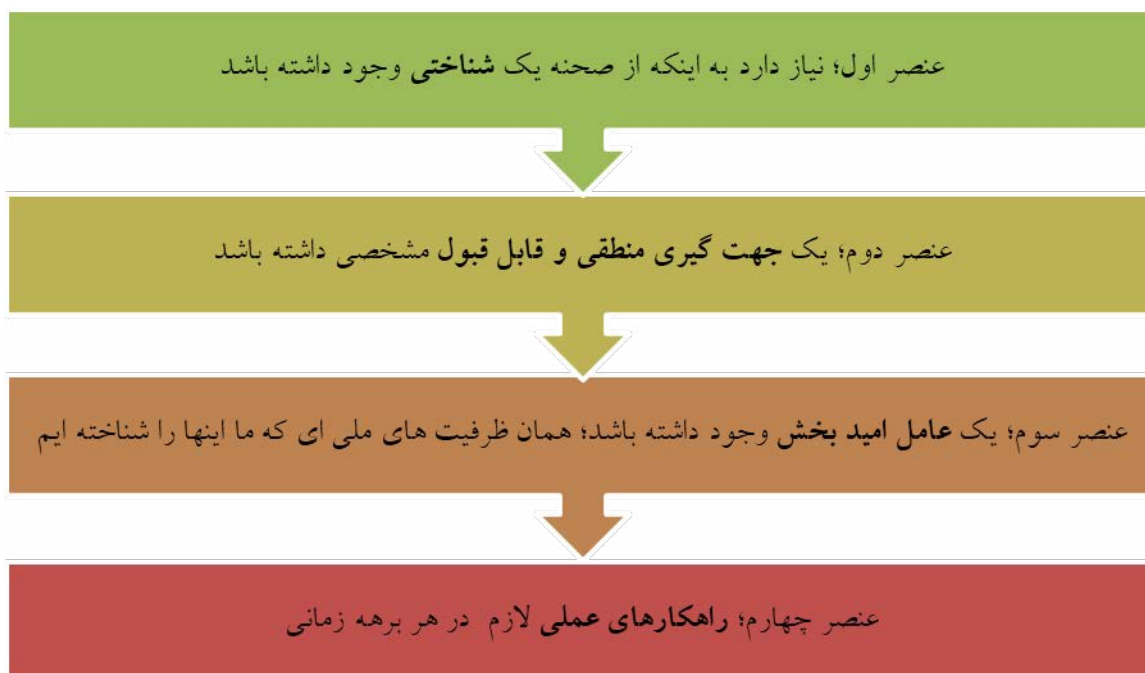
۳ محوریت جوانان متعهد (به عنوان نیروی تحول آفرین در مدیریت و نوآوری)

به بیان ایشان: «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد، منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان

متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکت اند... این‌ها هستند که اگر متعهد باشند، می‌توانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند.» [۲۹]

ایشان به فرایند این حرکت عمومی و عناصر مورد نیاز برای شکل‌گیری این حرکت عمومی نیز اشاره می‌کنند:

#### شکل ۱. عناصر مورد نیاز یک حرکت عمومی



مأخذ: داده‌های پژوهش.

آنگونه که در نمودار فوق نشان داده شده است، عناصر این حرکت عمومی عبارت‌اند از «شناخت صحنه»، «جهت‌گیری منطقی و قابل قبول» مشخص و یا روندی که برگزیده می‌شود، «عامل امیدبخش» یا شناخت ظرفیت‌های ملی به‌عنوان عناصر اصلی خلق آینده و در نهایت «راهکارهای عملی» و متناسب با مراحل حرکت و ابعاد و لایه‌های حرکت. ایجاد حرکت عمومی نیز الزاماتی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: هدایت هوشمند (تعیین نقشه راه بر اساس بیانیه گام دوم)، تمرکز بر اولویت‌ها (مانند جهش تولید و پیشرفت علمی) و پیگیری مستمر (نظارت بر اجرا و اصلاح انحرافات).

## ۲-۴. فرایند شکل‌گیری حرکت عمومی و جایگاه حلقه‌های میانی

### ۱-۲-۴. تعریف حلقه‌های میانی

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تبیین عنصر چهارم و طراحی میدان‌ها و راهکارهای عملیاتی برای حرکت عمومی، «حلقه میانی» را این‌گونه تعریف می‌کنند: «مسئله راهکارهای عملی، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها می‌توانند بنشینند

برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است» [۲۹].

در این فرایند، حلقه‌های میانی به‌عنوان مغزهای برنامه‌ریز و موتورهای محرکه عمل می‌کنند. بر این اساس، حلقه‌های میانی تعریف می‌شوند. تعاریف مختلفی از حلقه‌های میانی بیان شده است که در مجموع آنها، دو زاویه نگاه متمایز وجود دارد.

دسته اول، تعاریفی هستند که تمرکز بر میانی بودن و واسط بودن جریان حلقه‌های میانی دارند؛ مانند واسط بین مردم و دولت یا واسط بین امام و امت. دسته دوم تعاریف، تمرکز بر جایگاه و نقش جریان حلقه‌های میانی در پیشبرد تمدنی انقلاب اسلامی دارند؛ مانند حلقه میانی به مثابه فناوری تحقق بیانیه گام دوم و باز یگر اصلی تمدن‌سازی اسلامی. حلقه‌های میانی با ایجاد شبکه‌های ارتباطی، مردم را در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت دخیل می‌کنند. این نهادها به کمک روش‌های نوینی مانند پلتفرم‌های دیجیتال، کارگاه‌های آموزشی و کمپین‌های مردمی می‌توانند آگاهی عمومی را افزایش داده و زمینه مشارکت فعالانه را فراهم کنند [۳۲].

البته این دو نگاه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؛ چرا که حلقه‌های میانی دقیقاً از طریق ایفای نقش واسطه‌گری هوشمند و کارآمد است که می‌توانند به بازیگران اصلی تحقق گام دوم انقلاب و تمدن‌سازی نوین اسلامی تبدیل شوند. بررسی نمونه‌های عینی، مانند تشکل‌های دانشجویی فعال در این موقعیت، نشان می‌دهد که این نهادها هم‌زمان هم پل ارتباطی بین بدنه جامعه و نهادهای تصمیم‌گیر بوده‌اند و هم موتور محرکه تحولات تمدنی در عرصه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شوند.

## ۵. فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و صورت‌بندی حلقه‌های میانی

در راستای صورت‌بندی مفهومی جریان حلقه‌های میانی، از طریق مصاحبه با خبرگان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های صاحب‌نظر در زمینه جریان حلقه‌های میانی، به تحلیل و بررسی دقیق این مفهوم اهتمام ورزیده شد. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان تلاش شد خبره‌ترین افراد صاحب‌نظر و آشنا با ادبیات و مفهوم حلقه‌های میانی گزینش شوند که از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و شاخص‌های زیر را دارا باشند:

۱ هر یک از افراد دارای شخصیت‌های علمی بوده و عضو هیئت علمی یا مدرس دانشگاه و حوزه باشند.

۲ با اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، خصوصاً جامعه‌شناسی آنها، آشنا بوده و بر اساس منظومه فکری ایشان به بسط مفهوم حلقه‌های میانی بپردازند.

۳ این افراد از نزدیک با مصادیقی شبیه حلقه‌های میانی در ارتباط بوده و فهم میدانی از این مفهوم داشته باشند.

۴ افرادی که در دولت و حاکمیت مسئولیت‌هایی مرتبط با حلقه‌های میانی داشته‌اند، شناسایی شده و با این افراد در حد بضاعت مصاحبه انجام گرفته است.

۵ تا اندازه‌ای با مباحث فشر بندگی‌های اجتماعی و نظریه‌های رایج آن آشنایی داشته باشند.

۶ نتایج مصاحبه‌ها به گونه‌ای باشد که تنوعات فکری و دیدگاه‌های متمایز را در بر بگیرد؛ لذا حتی الامکان از هر گروه فکری با یک نفر مصاحبه شود.

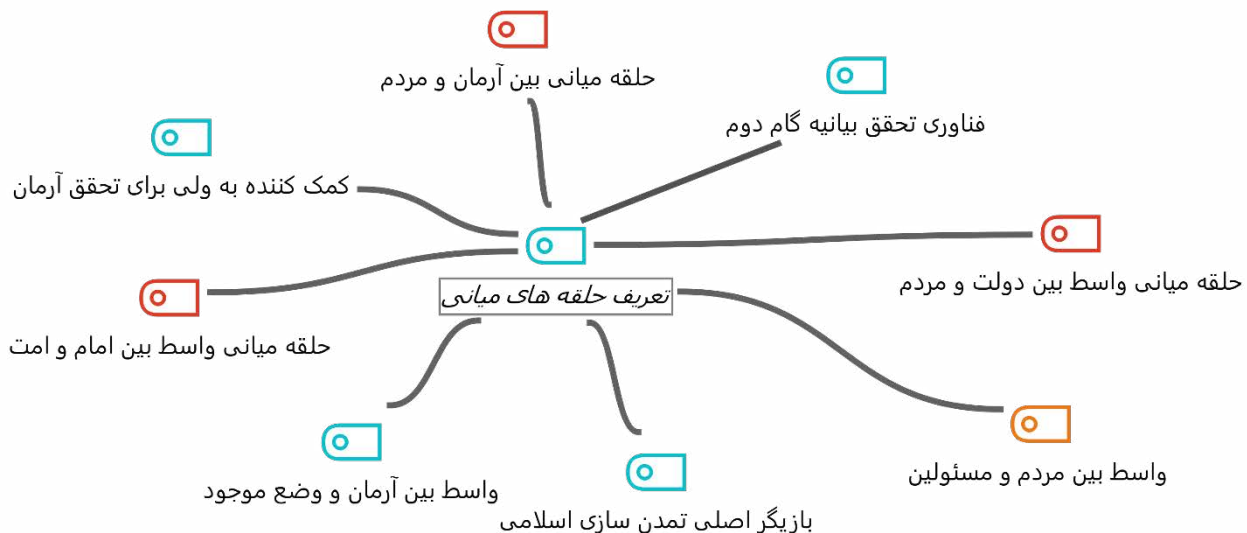
پرسش‌نامه به صورت مصاحبه کیفی باز طراحی شد و پیش از مصاحبه در اختیار افراد قرار می‌گرفت تا تاملی داشته باشند و سپس مصاحبه انجام می‌شد. پرسش‌های طراحی شده به صورت کلی و عمومی بود که با توجه به تخصص و تجربه فرد مصاحبه‌شونده و برای عمق بخشیدن به زوایای مختلف بحث، در مسیر مصاحبه با تغییرات اندکی همراه بوده است تا ابعاد پنهان بحث و زمینه‌های مختلف آن بررسی شود.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، از روش کیفی تحلیل مضمون بهره گرفته شد. در مرحله اول، استخراج مضامین پایه صورت گرفت؛ یعنی کدگذاری اولیه و بدون محدودیت داده‌ها انجام شد. در مرحله بعد، مضامین سازمان‌دهنده انتخاب گردید و در نهایت تلاش شد با دسته‌بندی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر حاصل شود. این مضامین در صورت‌بندی مفهومی، نقش شبکه مضامین و مفاهیم را ایفا می‌کنند.

لازم به ذکر است که با توجه به اینکه مصاحبه‌های این گزارش سیاستی از منابع رساله‌ای با عنوان «پیش‌ران‌ها و روندهای پیش روی جامعه

مطلوب اسلامی بر اساس جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه و سناریوهای آینده آن» [۱۷]، متعلق به نگارنده اول این گزارش سیاستی، استخراج شده‌اند و با توجه به مجال اندک برای پرداخت تفصیلی به داده‌ها و کدگذاری‌ها، در ادامه صرفاً یافته‌های حاصل از صورت‌بندی نهایی (تعریف حلقه‌های میانی، ویژگی‌ها و کارکردهای حلقه‌های میانی، نسبت حلقه‌های میانی و جامعه مدنی و نسبت حلقه‌های میانی با سایر نهاد‌های میانجی) تشریح می‌شود.

شکل ۲. تعریف حلقه‌های میانی [۳۰]



### ۱-۵. تحلیل و صورت‌بندی حلقه‌های میانی

این مدل در سه لایه مرتبط با هم تنظیم شده است. لایه اول، بیانیه گام دوم را رویکرد به آینده است که موقعیت حلقه میانی در محیط پیچیده را نشان می‌دهد. بیانیه گام دوم با هدف تمدن‌سازی اسلامی، مسیر آینده را مشخص می‌کند. لایه دوم، لایه ارتباطی حلقه‌های میانی و پیشران‌های کلیدی است که در مدل، به رابطه حلقه میانی با دولت، مردم، امام و امت در سه حلقه ارتباطی اشاره دارد و لایه سوم، اشاره به شرایط اجتماعی بین دو وضعیت موجود و مطلوب می‌باشد.

#### ■ فناوری تحقق بیانیه گام دوم

همان‌گونه که در بررسی بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تاریخ ۹۸/۳/۱ اشاره شد، «حلقه‌های میانی» راهکار نظام‌مند اجتماعی برای تحقق بیانیه گام دوم است. محتوای بیانیه گام دوم می‌توانست در قالب سیاست‌های کلی نظام ارائه شود، ولی با نظر به این که کلان‌پروژه پیشرفت و تمدن اسلامی اساساً نیازمند حرکت اجتماعی عمومی است، این نقشه راه معرفتی در قالب بیانیه و با مخاطب اصلی عموم مردم، از جایگاه رهبری اجتماعی طرح می‌شود. بدین ترتیب، طرح «حلقه‌های میانی» به مثابه اشاره به گونه‌ای نهادمندی اجتماعی حرکت، که وابسته به دولت نبوده و برآمده از بطن مردم و عرصه عمومی است، فناوری اجتماعی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب می‌باشد.

در واقع، به بیانی، حلقه‌های میانی پیشران تحقق معروف‌ها در نظم اجتماعی هستند و جایگاه حلقه‌های میانی، میانه مردم و آرمان است، نه میانه مردم و حاکمیت. حلقه‌های میانی مرزهای حکمرانی را جابه‌جا می‌کنند و واسط بین مردم و نظم سیاسی جدید هستند. حلقه‌های میانی، سیستم عاملی برای تحقق گام دوم هستند.

#### ■ کمک‌کننده به ولی برای تحقق آرمان

جریان حلقه‌های میانی، ساخت اجتماعی ایجاد می‌کند که این ساخت اجتماعی، امر امام در جامعه را پیش می‌برد. یعنی اگر این جریان‌ها و عناصر ساخت اجتماعی موجود نباشند، امر امام در جامعه بر زمین خواهد ماند. این جریان اجتماعی، انتقال‌دهنده و تبیین‌کننده فکر و اراده

ولی، یا همان آرمان های مطرح شده از جانب ولی در جامعه خواهد بود. [۱۴]

### ■ بازیگر اصلی تمدن سازی اسلامی

در این تعریف، جایگاه جریان حلقه های میانی در حرکت کلی انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی ترسیم می شود. بازیگر اصلی که می تواند این مسیر را طی نماید و حرکت انقلاب اسلامی را تسهیل کند، جریان حلقه های میانی است و در صورتی که این حلقه های فعال شوند، تمدن سازی نوین اسلامی نیز به منصف ظهور می رسد.

### ■ حلقه های میانی، واسط بین مردم و دولت

در لایه بالا، حاکمان کشور (نهادهای رسمی، قوای سه گانه، نهادهای زیر مجموعه دفتر رهبری و دستگاه های دولتی)، در لایه پایین عموم جامعه یا مردم، و در لایه میانی، حلقه های میانی قرار می گیرند که خود، دسته بندی های فراوانی را شامل می شود. نهادهای حرفه ای مانند کانون و کلا و نظام مهندسی، فعالان فرهنگی، بخش خصوصی، فعالان اجتماعی و نهادهای علمی، نهادهای تنظیمی و نهادهای اتحاد ساز که نهادهای تنظیم کننده به طور عمده مطالب طرح شده را به پایین می آورند و نهادهای اتحاد ساز، بیشتر حرف های پایین را به بالا منتقل می کنند. حتی گروه های سیاسی، شتاب دهنده ها و نیز شرکت های دانش بنیان که بیشتر ایده محور هستند، در همین لایه طبقه بندی می شوند. همچنین هیئت های مذهبی، نهادهای دینی و فعالیت های تبلیغی در همین جریان قرار می گیرند. [۱۵]

مهم ترین کارکرد حلقه های میانی، نقش واسطی است که می توانند برای ارتباط هر چه بهتر و مؤثر تر دولت با ظرفیت های نهفته در میان مردم ایفا کنند. [۱۶]

### ■ حلقه های میانی، واسط بین مردم و مسئولین

حلقه میانی باید خدمات و پشتیبانی را از دولت تسهیلگر دریافت کرده و کشور را با بدنه مردمی اداره کند. [۱۵] حلقه های میانی، آن دسته از جوانانی هستند که کارهای میانجی گری انجام می دهند؛ یعنی این افراد قرار نیست کاری را در صف انجام دهند، بلکه کارکردشان برنامه ریزی و هماهنگی است. [۱۵]

### ■ حلقه های میانی، واسط بین مردم (امت) و امام

حلقه های میانی، حد واسط امام و امت هستند، به این معنا که رابطه امام و امت از کانال حلقه های میانی محقق می شود نیست؛ بلکه رابطه امام و امت به صورت مستقل و مستقیم جریان دارد، لیکن حلقه های میانی نقش تبیین کننده و شرح دهنده راهبردها و اهداف امام جامعه برای آحاد مردم را دارند. به عبارتی دیگر، حلقه های میانی پیگیری کننده و تبیین کننده سیاست های ولی در قبال جامعه و تدقیق کننده جهت گیری ها، انگیزه بخشی، فعال سازی ظرفیت های عظیم جامعه و وظایفی از این قبیل را بر عهده دارند.

ضمن این که رهبر انقلاب تاکید می کنند: «این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه های دیگر است؛ بلکه به عهده مجموعه هایی از خود ملت است.» بنابراین، خاستگاه حلقه های میانی، مردم و ملت هستند.

قدرت حلقه های میانی بر اثر ایجاد یک تشکیلات به وجود می آید. تشکیلات لزوما هم گروه نیست، بلکه یک شبکه است. این شبکه از راس هرم به سمت پایین برقرار و پیوسته می باشد. وقتی شبکه این ویژگی ها را داشته باشد، به صورت یک جریان در خواهد آمد. جریان بودن آنها در نیازمندی به قدرت اجتماعی ریشه دارد؛ بنابراین هر جریانی که در کشور بتواند پیوستگی میان مردم و امام را برقرار کند، حلقه های میانی است. [۱۵]

### ■ حلقه های میانی، واسط بین مردم و آرمان

جریان حلقه های میانی کاملاً اجتماعی است و یک سر آن اندیشه و آرمان های امام است و سر دیگر آن، مبدأ نیازها در تعاملات اجتماعی است. این جریان ها می خواهند جایگاه آرمان امام را در نیازهای جامعه پیدا کنند، در آن نقطه به صورت اجتماعی شروع به رشد و بالندگی کنند و در نهایت، این نیازها را به آرمان و اندیشه امام برسانند. کار رساندن آرمان ها به جامعه را جریان ها انجام می دهند و بازگشت جامعه به آرمان ها نیز کار جریان هاست، ولی آن عناصری که نیاز تعاملی را می فهمند و آرمان را در نقطه ظهور و بروز و پرورش می دهند و حول آن انسجام اجتماعی ایجاد می کنند، حلقه های میانی هستند [۱۴].



## ■ حلقه‌های میانی، واسط بین آرمان و وضع موجود

حلقه‌های میانی در تلاش هستند آنچه در جامعه، در وضع موجود وجود دارد را به خوبی بشناسند و با به صحنه آوردن ظرفیت‌های مردمی، مسیر رسیدن به آرمان‌ها را طی کنند. در این تعریف، حلقه‌های میانی در متن جامعه و بین وضع موجود و آرمان‌ها معنا می‌یابند. با بررسی انواع تعریف از جریان حلقه‌های میانی، می‌توان این‌گونه تعریف نمود که: حلقه‌های میانی، شبکه‌های مردمی و نهادهای اجتماعی خودجوشی هستند که در فضایی مستقل از ساختارهای رسمی حکومتی شکل می‌گیرند و نقش حیاتی در تحقق گام دوم انقلاب ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با الهام از مدل موفق دفاع مقدس، به دنبال ایجاد «انقلابی نهادی» هستند تا با عبور از محدودیت‌های ساختارهای رسمی، امکان مشارکت حداکثری اراده‌های مردمی را فراهم آورند. آنها از پایین به بالا و در بستر واقعی جامعه متولد می‌شوند، به گونه‌ای که هم معتمد مردم هستند و هم در ارتباط دائمی با خواست عمومی جامعه. این حلقه‌ها از یک سو با درک نیازهای جامعه و از سوی دیگر با تبیین سیاست‌های کلان نظام، زمینه‌ساز مشارکت مردمی در تحقق اهداف انقلاب می‌شوند.

کارکرد اصلی حلقه‌های میانی، تبدیل آرمان‌های انقلاب به برنامه‌ها و میدان‌های عملیاتی در سطح جامعه است. این نهادها با تفسیر گفتمان رهبری و انطباق آن با نیازهای روز، هم‌جهتی مردم و نظام را تقویت می‌کنند. آنها از طریق شبکه‌سازی، ظرفیت‌های مردمی را فعال می‌سازند و با ایفای نقش واسطه‌ای، هم‌خواسته‌های مردم را به حاکمیت منتقل می‌کنند و هم سیاست‌های کلان را برای جامعه شفاف‌سازی می‌نمایند. حلقه‌های میانی به عنوان موتور محرکه تمدن‌سازی اسلامی، صرفاً انتقال‌دهنده پیام نیستند، بلکه با ایجاد تشکیلات منسجم، زمینه تحول اجتماعی را فراهم می‌کنند. ویژگی کلیدی آنها مردمی بودن، غیردولتی بودن و عمل در چارچوب آرمان‌های انقلاب است. موفقیت این حلقه‌ها در گرو توانایی آنها در تبدیل ایده‌های کلان به اقدامات عملی خرد و فراگیر و ایجاد پیوند پایدار بین امام و امت است.

## ۲-۵. رسالت حلقه‌های میانی

جریان حلقه‌های میانی، برای ادامه مسیر انقلاب اسلامی در جهت قیام عمومی مردم و به صحنه آوردن ظرفیت‌های مردمی در متن جامعه، امری ضروری است که اهم رسالت‌های آن به شرح زیر می‌باشد:

### الف. رسالت «دعوت»

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های حلقه‌های میانی، آگاه‌ساختن مردم از توانایی‌های خویش و دعوت از مردم برای کاربست آن در جهت تحقق اهداف جامعه اسلامی می‌باشد. همان‌گونه که در سوره نحل، آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» «هر کس که از روی بصیرت کار نمی‌کند، عوام است؛ لذا می‌بینید قرآن درباره پیغمبر می‌فرماید: ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی. یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می‌کنیم، به دعوت می‌پردازیم و پیش می‌رویم.» [۲۳]

وظیفه دعوت به خیر، مطابق با آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» علاوه بر این که یک وظیفه عمومی است، وظیفه نخبگان و خواص جامعه نیز می‌باشد و تعبیر «منکم» را اکثر تفاسیر به معنای تبعیضیه گرفته‌اند. در تفسیر نور در ذیل این آیه نوشته شده است: «دعوت‌کننده به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد؛ لذا بعضی از افراد این وظیفه را به عهده دارند، نه همه آنها.»

تشکیل جریان حلقه‌های میانی که قرار است جبهه متشکل انقلاب اسلامی باشد، خود مصداق کامل خیر خواهد بود و تحقق این جریان با دعوت و تبیین مسئولیت‌ها و ماموریت‌ها امکان‌پذیر خواهد شد. راهکار عملی در ایجاد حرکت عمومی که وظیفه اصلی حلقه‌های میانی است، را می‌توان در دعوت خلاصه نمود. دعوت باید هدایت‌گرانه باشد و اهداف و افق‌های پیش‌رو را نمایان کند و وضع موجود و مطلوب را با دیدی واقع‌گرایانه برای مخاطب ترسیم نماید. دعوت در نهایت باید به شناخت درست از واقعیت و اقدام متناسب با آن ختم شود.

### ب. ارتقای هم‌افزایی اجتماعی (ایجاد ولایت و همبستگی اجتماعی)

کارکرد یا رسالت دیگری که می‌توان برای حلقه‌های میانی برشمرد، هم‌افزایی اجتماعی است. در واقع، مردم توانمندی‌های اولیه را دارا

می باشند و به هم رسانی این توانمندی ها جهت ارتقای هم افزایی اجتماعی مدنظر است. هدف، ایجاد بستری در جامعه است که توانمندی های مردم بتواند بروز اجتماعی داشته و در راستای اهداف جامعه اسلامی، در کنار هم به فعلیت برسد. در غیر این صورت، به گفته امام علی علیه السلام: «به خدا سوگند، شکست برای کسانی است که دست از یاری یکدیگر می کشند» [۱۷] یعنی انسان ها هر قدر هم قوی باشند، ولی فردی و جداگانه عمل کنند، شکست خواهند خورد و پیروزی در گرو هم افزایی است.

### ج. فعال سازی ظرفیت های اجتماعی

رسالت اصلی حلقه های میانی، فعال سازی ظرفیت های اجتماعی، اعم از مادی، معنوی یا معرفتی است. این حلقه ها با رصد مستمر فضای اجتماعی، ظرفیت های هم افزایی فعال نشده را شناسایی نموده و با طراحی هدفمند، زمینه شکوفایی آنها را فراهم می کنند. در عمل، حلقه های میانی با به کارگیری ظرفیت های بالفعل و بالقوه در جهت حل نظام مسائل اقدام می نمایند؛ به این صورت که ظرفیت های بالفعل را در کنار یکدیگر قرار داده و هم افزایی ایجاد می کنند و ظرفیت های بالقوه را نیز فعال می سازند.

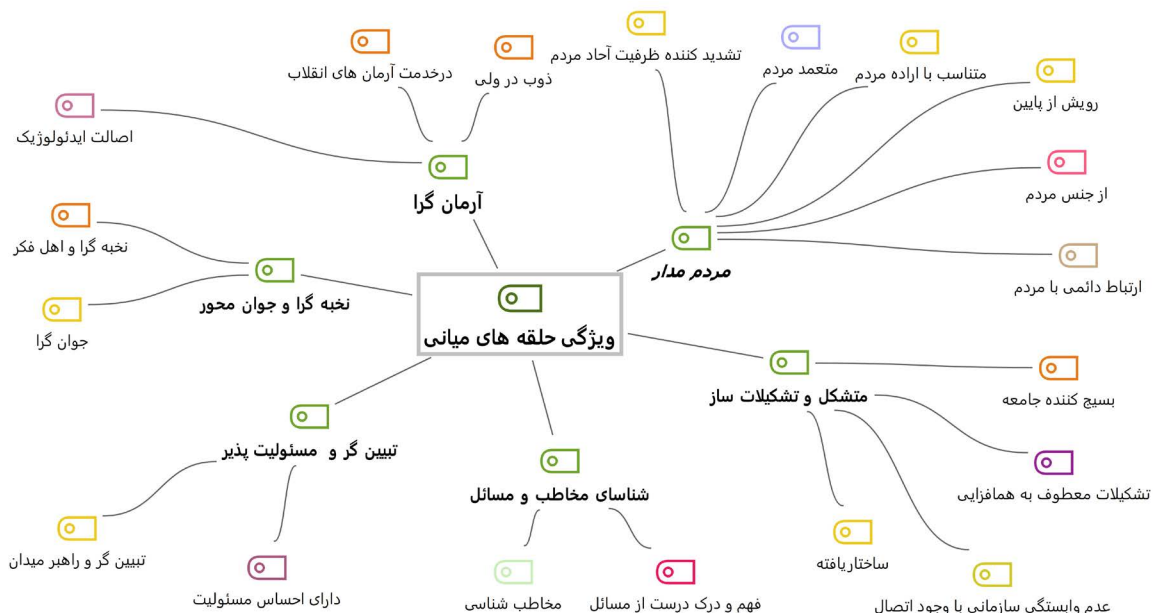
### د. وحدت بخشی مردم

یکی از رسالت های مردم، وحدت است. «همه وقتی دست به هم دادیم و همه شدیم یه واحد علی من سواه، همان طوری که فرمودند که این ها دست واحد هستند بر سوایشان، اگر دست واحد شدیم برای من سواه، هیچ کس نمی تواند به ما ضرری بزند.» [۳۵] همراه کردن مردم در راستای یک هدف و ایجاد وحدت، از عهده حلقه های میانی بر می آید.

## ۳-۵. ویژگی های حلقه های میانی

پس از مشخص شدن تعریف حلقه های میانی، آنچه اهمیت دارد، پرداختن به ویژگی های حلقه های میانی است.

شکل ۳. ویژگی های حلقه های میانی [۳۰]



مأخذ: داده های پژوهش.

## الف. مردم مداری

حلقه های میانی مردم مدار هستند؛ یعنی از جنس مردم و مورد اعتماد آنان اند. این حلقه ها از پایین به بالا شکل می گیرند و خاستگاهشان در بسترهای مردمی است. در ارتباط دائمی با مردم قرار دارند و متناسب با خواست و اراده عمومی عمل می کنند و در این مسیر ظرفیت های مردمی را تشدید می نمایند. حلقه های میانی هنگامی اهمیت می یابند که مجموعه ساختارهای نهادی توان بهره گیری حداکثری از اراده های



مردمی را نداشته باشند. برای مثال، در دفاع مقدس برای حضور مردمی مدل‌سازی جدیدی انجام شد؛ انواع گروه‌های مردمی توانستند در شبکه‌ای عظیم، زنده، کارآمد، داوطلبانه و پرشور جایگاه خود را پیدا کنند.

### ب. نخبه‌گرا و جوان‌محور

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، محور حرکت عمومی جامعه در گام دوم انقلاب اسلامی جوان مؤمن، متعهد و انقلابی است. نخبگی در مکتب امام معنای متفاوتی دارد؛ نخبه شخصیتی مردمی است و چیزی جدا از مردم نیست. نخبه کسی است که در نظام ولایی مردم‌سالار، به سعادت بشر می‌اندیشد، مردم را درک می‌کند، برای آنان دل می‌سوزاند، همه دستاوردهای خود را به مردم می‌سپارد و اندیشه‌های صالح خویش را با مردم پیش می‌برد.

در اندیشه اسلامی، اصلاح و رشد جامعه وابسته به اصلاح نخبگان است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «لا تصلح عوام هذه الامه الا بخواصها»؛ اصلاح توده مردم به اصلاح نخبگان جامعه بستگی دارد. پرسیدند: «و ما خواص امتک؟» پیامبر پاسخ دادند: «خواص امتی العلماء و الامراء»؛ یعنی دانشمندان، آگاهان، زمامداران و امران نخبگان امت‌اند. [۱۸]

### ج. تبیین‌گر و مسئولیت‌پذیر

مهم‌ترین ویژگی برای برانگیختن و به میدان آوردن یک حرکت عمومی مردمی، ایجاد تشکل‌ها و پیوند دادن آنها به جریان واحدی است که افراد را از مسئولیت اجتماعی‌شان به‌عنوان انسان مسلمان آگاه می‌سازد. در واقع، پشتوانه آغاز تمامی حرکت‌های اجتماعی، انگیزه‌ای است که در حس مسئولیت‌پذیری افراد ریشه دارد.

فرمایش «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» [۱۹] نشان‌دهنده وجود و اهمیت بار مسئولیت و تعهد در برابر دیگران است. شهید بهشتی در رابطه با مسئولیت افراد نسبت به هم در جامعه اسلامی می‌گویند:

«جامعه اسلامی، جامعه هوشیارها و زبان‌دارهاست؛ جامعه مردم‌فصول است، نه از آن فصول‌های بی‌جا، بلکه بدین معنا که بره نیستند. جامعه بره‌ها نیست؛ جامعه آدم‌هاست؛ آدمی که انتقاد می‌کند و در کار همه دقت دارد، برای پاسداری از محترم‌ترین چیزها یعنی حق و عدل. حق و عدل از همه چیز محترم‌تر است» [۲۰].

تشکیل جریان حلقه‌های میانی نیز از قاعده مسئولیت مؤمنان نسبت به جامعه مؤمنانه سرچشمه می‌گیرد. مؤمنان در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به سرنوشت هم بی‌تفاوت باشند و باید برخیزند و در میدان عمل نقش‌آفرینی کنند.

رحمت الهی مشروط به تجلی رحمت میان مردم، احساس مسئولیت متقابل و همدلی عملی آنان نسبت به یکدیگر است. این امر در قالب درک مشقت‌های یکدیگر، همراهی دلسوزانه و همکاری فعال جلوه می‌یابد، تا جایی که در عرصه زندگی برای یاری هم تلاش کنند. چنین رفتاری کلید گشایش درهای نعمت‌های الهی شمرده شده است [۱۲].

### د. شناسایی مخاطب و مسائل

اگر کنشگری مردمی برای شبکه‌ای صحیح از مسائل به کار گرفته نشود، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد؛ زیرا مسئله‌شناسی اهمیت بنیادین دارد. بسیاری از فعالان اجتماعی مسئله‌شناسی را به سطح مردمی نسبت می‌دهند، حال آن‌که این نگاه خطای راهبردی است؛ چون مردم با مشکلات روزمره دست‌به‌گریبان‌اند. اگر مسائل را به مشکلات مردم تقلیل دهیم، بسیاری از اقدامات مهم و کلیدی به دلیل عدم توجه مردم مغفول می‌مانند و مسائل کم‌اهمیت‌تر ولی محبوب‌تر در اولویت قرار می‌گیرند [۱۴].

### هـ. متشکل و تشکیلات‌ساز

از نظر کالبد ساختاری، حلقه‌های میانی اداری و بوروکراتیک نیستند و در چارچوب تشکیلات سازمانی اسیر ساختارها قرار ندارند؛ بلکه به‌صورت تشکل‌ها یا هسته‌هایی فعال و پویا عمل می‌کنند که از انعطاف و انطباق‌پذیری بالا برخوردارند و در عین چابکی فعالیت خود را حفظ می‌کنند. حلقه‌های میانی بسترهایی ایجاد می‌کنند تا کنشگران مردمی به خودسازماندهی برسند.

در مدل سنتی، سازماندهی به‌صورت ستاد بالادستی عمل می‌کند و وظایف را بین زیرمجموعه‌ها تقسیم می‌نماید؛ اما خودسازماندهی

فرصتی فراهم می‌سازد که افراد خود نقششان را پیدا کنند. حلقه‌های میانی بسترهای لازم برای این فرایند را ایجاد می‌کنند. برای مثال، در مدل مدیریت بحران در انگلستان، رویکرد بر پایه‌ی خودسازماندهی است؛ به‌جای ورود مستقیم دستگاه‌های دولتی، برای مردم نقش‌هایی ثانویه در هنگام بحران تعریف می‌شود. [۱۴]

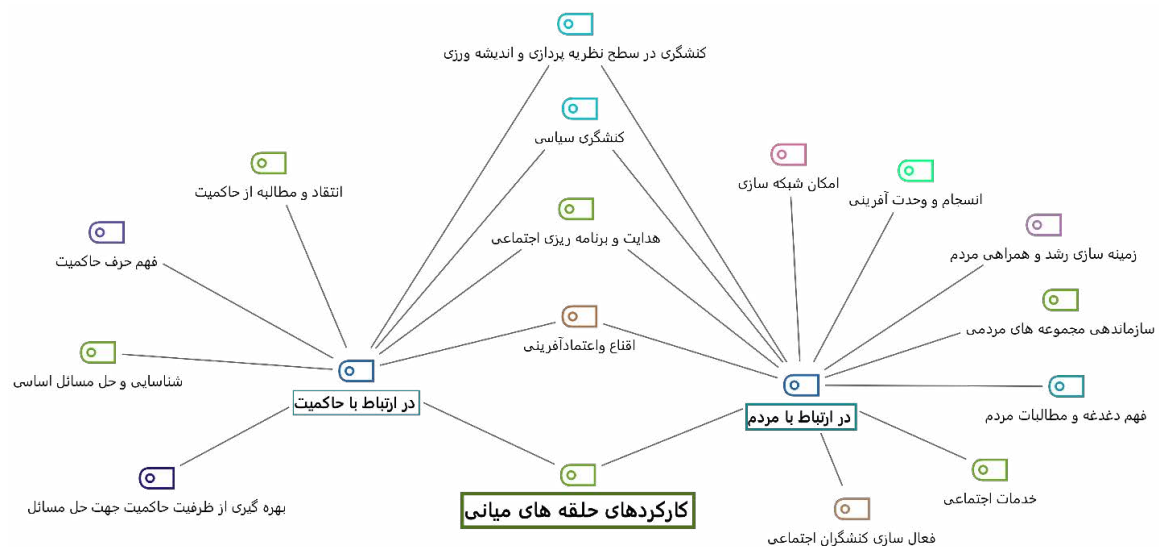
### و. آرمان‌گرا

جریان حلقه‌های میانی آرمان انقلاب را می‌شناسد و در مسیر تحقق آن تلاش می‌کند. چون نگاه به آرمان‌ها دارد، تحول‌آفرین است و می‌تواند در مسیر پیشرفت آرمان‌ها حرکت کند. حلقه‌های میانی آرمان‌را از ولی جامعه و رهبری دینی دریافت می‌کنند و آرمان‌خواهی خویش را در خدمت انقلاب اسلامی قرار می‌دهند.

### ۴-۵. کارکردهای حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی در جامعه کارکردهایی دارند که حضورشان برای جامعه امری ضروری است. در مدل زیر، کارکردها در ارتباط با مردم و کارکردها در ارتباط با حاکمیت و حکومت تقسیم‌بندی شده‌اند. البته لازم به ذکر است برخی کارکردها که میان مردم و حاکمیت مشترک‌اند نیز قابل تفکیک می‌باشند.

شکل ۴. کارکردهای حلقه‌های میانی [۳۰]



مأخذ: داده‌های پژوهش.

### الف. کارکردها در ارتباط با مردم

حلقه‌های میانی کارکردهای مختلفی را در جامعه ایفا می‌کنند. از جمله این کارکردها که در ارتباط با مردم معنا و مفهوم پیدا می‌کند، امکان شبکه‌سازی و متشکل کردن مردم برای نقش آفرینی مؤثر است. همچنین در این مسیر، با زمینه‌سازی رشد و همراهی مردم، باعث حداکثری‌سازی حضور مردم خواهند شد. با جهت‌دهی صحیح به حرکت‌های مردمی و سازماندهی مجموعه‌های مردمی در راستای خودسازماندهی، مؤثر خواهند بود. حلقه‌های میانی با فهم دغدغه‌ها و مطالبات مردم، به خاطر مردمی بودن خویش، می‌توانند خدمات اجتماعی بهتری را با فعال‌سازی کنشگران اجتماعی مردمی به مردم ارائه دهند و در پرتو رضایت عمومی، انسجام و وحدت بیشتری در اجتماع حاصل آید.



## ب. کارکردها در ارتباط با حاکمیت

برخی از کارکردهای حلقه‌های میانی در ارتباط با حاکمیت و مسئولان حکومتی است. حلقه‌های میانی با توجه به ویژگی‌هایی که دارند، زمینه خوبی دارند تا حرف حاکمیت را فهم کنند. به شناسایی دقیق مسائل می‌پردازند و با ظرفیت‌های حاکمیت برای حمایت و هدایت در جهت حل مسائل آشنا هستند و می‌توانند در ارتباط با حاکمیت، به حل مسائل کشور کمک کنند و از جهتی دیگر، به خوبی مطالبات و انتقادهای مردم از حاکمیت را بیان کنند و در راستای عملیاتی شدن آن تلاش نمایند.

## ج. کارکردها در ارتباط با مردم و حاکمیت

حلقه‌های میانی کارکردهای دیگری نیز دارند که می‌توان آنها را به صورت مشترک بین مردم و حاکمیت تقسیم‌بندی کرد. اقناع و اعتمادآفرینی بین مردم و مسئولان، از مهم‌ترین کارکردهای حلقه‌های میانی است که هم‌افزایی و مشارکت اجتماعی را در پی دارد. علاوه بر این، کنشگری در سطوح نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی و تولید فکر برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از ضروریات حلقه‌های میانی است. در امتداد آن، کنشگری سیاسی و اجتماعی نیز لازمه پویایی حلقه‌های میانی است و از جمله کارکردهای ممتاز و خلأهای اساسی که حلقه‌های میانی آن را پر می‌کنند، «هدایت و برنامه‌ریزی اجتماعی» است؛ امری که جهت‌دهی و راهبری کلیه حرکت‌ها و جریان‌های عمومی جامعه را بر عهده خواهد داشت.

با توجه به مباحث عنوان‌شده، می‌توان گفت حلقه‌های میانی آن دسته از نهادهایی هستند که کارهای میانجی‌گری انجام می‌دهند. یعنی این افراد در قالب قرارگاه‌های اجتماعی، قرار نیست کاری را در صف انجام دهند؛ بلکه کارکردشان برنامه‌ریزی، تسهیل‌گری، هدایت و هماهنگی است. گفتمان‌سازی، برنامه‌ریزی، راهکاریابی، پیگیری برای تحقق چشم‌اندازها و سیاست‌های کلان، نظارت و مطالبه‌گری، جلب حمایت و پشتیبانی، جهت‌دهی و تصمیم‌سازی، نظریه‌پردازی، گفتمان‌سازی و رسیدن به شاخص‌ها و الگو، کمک به هم‌افزایی و خودسازماندهی فعالان میدانی، از جمله این کارکردهاست.

جایگاه حلقه‌های میانی، جایگاه شتاب‌دهندگی و تسهیل‌گری است. در واقع حلقه‌های میانی نقش کاتالیزگری دارند. در نسبت جریان‌های حلقه‌های میانی با فعالان و عناصر مردمی، عمده نقش این جریان‌ها برنامه‌ریزی، پیگیری، بسترسازی، شتاب‌دهی و هدایت است. غایت حرکت این جریان، رسیدن به منطقی مبتنی بر سیستم خودسازماندهی و هم‌افزایی است. در این مسیر، هر کس باید جوشش و حرکت خودجوش داشته باشد. نحوه مدیریت چنین سیستم‌هایی باید طبق نظریه آشوب باشد.

دستیابی به خودسازماندهی و هم‌افزایی، طرق مختلفی دارد. از مهم‌ترین این طرق می‌توان به گفتمان‌سازی، ظرفیت‌یابی و ظرفیت‌سازی، زمینه‌سازی عملیات‌های خودجوش، تنظیم‌گری، هماهنگی و هدایت، پشتیبانی و حمایت زیرساختی و حقوقی، پیگیری و زمینه‌سازی عملیات‌های مشترک و هماهنگ، روایت فتوحات و انعکاس دستاوردها اشاره کرد. [۱۴]

در فهم صحیح از حلقه‌های میانی می‌توان گفت مسئولیت هدایت و برنامه‌ریزی گروه‌های مردمی در موضوعات مختلف، بر عهده جریان حلقه‌های میانی است و نه بر عهده دولت و حتی رهبری. سازوکار رهبری و هدایت گروه‌های مردمی نباید دولتی باشد، زیرا تصدی‌گری دولت افزایش پیدا خواهد کرد و مسیر تحقق حکمرانی مردمی و رسیدن به پیشرفت حقیقی ناهموار می‌شود. همچنین می‌توان اضافه کرد که در موضوعات مختلف از قبیل اقتصاد، سیاست، فرهنگ، امنیت و... باید بازیگران مردمی را شناسایی کرد و حلقه‌های میانی در جهت هدایت و برنامه‌ریزی بازیگران اصلی هر حوزه نقش ایفا کنند.

## ۵-۵. چالش‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی با وجود ظرفیت‌های بالای نظری و عملیاتی، با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که می‌توان آنها را در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد:

## الف. چالش‌های ساختاری و نهادی

- **مقاومت ساختارهای رسمی:** نهادهای دولتی ممکن است با حضور بازیگران مستقل مردمی احساس تهدید کنند و به صورت غیرمستقیم مانع فعالیت آنها شوند.
- **عدم شناسایی رسمی:** فقدان چارچوب حقوقی مشخص برای به رسمیت شناختن نقش حلقه‌های میانی، موجب کاهش اثرگذاری آنها می‌شود.
- **موازی کاری با نهادهای دولتی:** در برخی موارد، نهادهای رسمی به جای همکاری، به رقابت با حلقه‌های میانی می‌پردازند و منابع را به سمت خود هدایت می‌کنند.
- **ب. چالش‌های مدیریتی و سازمانی**
- **ضعف در شبکه‌سازی:** برخی حلقه‌های میانی فاقد تشکیلات منسجم هستند و به جای کار جریان محور، صرفاً به فعالیت‌های مقطعی می‌پردازند.
- **وابستگی در تأمین منابع مالی:** وابستگی مالی به سازمان‌های خاص یا عدم دسترسی به منابع مردمی، ماندگاری حلقه‌های میانی را تهدید می‌کند.
- **کمبود نیروی انسانی متخصص:** جذب و حفظ افراد توانمند، به دلیل ماهیت داوطلبانه و غیردولتی بودن این نهادها، دشوار است.
- **وابستگی به احزاب و جریان‌های سیاسی:** هنگامی که حلقه‌های میانی به عنوان بازوی اجرایی یا تبلیغاتی یک حزب خاص شناخته شوند، اعتماد عمومی نسبت به بی‌طرفی و استقلال آنها از بین می‌رود و مردم ممکن است این نهادها را ابزار سیاسی ببینند، نه نماینده‌ای واقعی از اراده جمعی. اگر حلقه‌های میانی به جای آنکه «محل اتصال همه مردم به آرمان‌های انقلاب» باشند، به جریان‌های سیاسی خاص گرایش پیدا کنند، ممکن است به جای ایجاد همبستگی اجتماعی، به قطب‌بندی اجتماعی دامن بزنند.

## ج. چالش‌های گفتمانی و فرهنگی

- **عدم اعتماد عمومی:** برخی مردم، به دلیل تجربه‌های ناموفق گذشته، نسبت به هر نهاد واسطه، حتی مردمی، بدبین هستند.
- **کمرنگ شدن آرمان‌گرایی:** خطر تبدیل شدن حلقه‌های میانی به نهادهای بوروکراتیک یا تجاری، آنها را از ماهیت مردمی و انقلابی خود دور می‌کند.
- **تهاجم روانی و جنگ نرم:** حلقه‌های میانی ممکن است هدف تحریف رسانه‌ای یا نفوذ جریان‌های انحرافی قرار بگیرند.
- **عدم ارتباط مؤثر با بدنه جامعه:** برخی حلقه‌های میانی، به جای پایین دست محور بودن، به سمت نخبه‌گرایی مفرط می‌روند و از مردم عادی فاصله می‌گیرند.

## راهکارهای کلیدی برای غلبه بر چالش‌ها

- تعریف سازوکارهای قانونی برای به رسمیت شناسایی نقش حلقه‌های میانی
- تقویت شبکه‌های مردمی با آموزش و توانمندسازی نیروهای متعهد
- شفاف‌سازی مالی و مدیریتی برای جلب اعتماد عمومی
- ایجاد تعامل سازنده با نهادهای حکومتی و حاکمیتی
- پرهیز از بوروکراتیک شدن و حفظ روحیه انقلابی و مردمی
- این چالش‌ها، اگرچه جدی هستند، اما در صورت مدیریت هوشمندانه می‌توانند به فرصت‌هایی برای ارتقای کیفیت و کمیت حلقه‌های میانی تبدیل شوند.



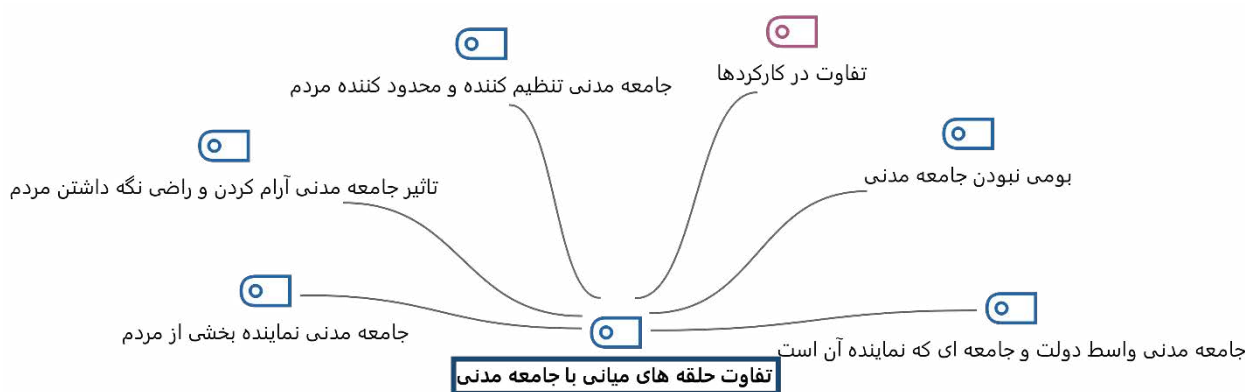
## ۶. نسبت حلقه‌های میانی و نهادهای مشابه



### ۶-۱. نسبت حلقه‌های میانی و جامعه مدنی

پس از مشخص شدن معنا، ویژگی‌ها و کارکردهای حلقه‌های میانی، برای فهم عمیق‌تر، لازم است نهادها و ساختارهای موجود متناظر با ایده «حلقه‌های میانی» بررسی شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های حلقه‌های میانی با آنها مورد تحلیل قرار گیرد.

شکل ۵. تفاوت حلقه‌های میانی با جامعه مدنی [۳۰]



مأخذ: داده‌های پژوهش.

در رویکردهای مختلف به جامعه مدنی، جامعه مدنی نماینده بخشی از مردم در قالب انجمن‌ها، سندیکاها و موسسات داوطلبانه است که تلاش می‌کنند در راستای منافع جامعه‌ای که نماینده آن است حرکت کنند، هر چند آن منافع با منافع ملی در تضاد باشد یا منافع گروه‌های دیگر را نادیده بگیرد [۳۰]. در صورتی که حلقه‌های میانی در راستای منافع ملی و دینی است و با پیوند بین منافع گروه‌های مختلف مردمی با منافع ملی تلاش می‌کنند تا ظرفیت‌های مردمی و حاکمیتی را در راستای هم قرار داده و موجبات هم‌افزایی را فراهم کنند.

همچنین تفاوت‌هایی در زمینه کارکردهای جامعه مدنی و حلقه‌های میانی می‌توان برشمرد، هر چند برخی از کارکردها قرابت و نزدیکی دارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه مدنی حفظ ارزش‌های دموکراتیک شامل آزادی و حقوق شهروندان، مشارکت همگانی و غیره می‌باشد، در صورتی که حلقه‌های میانی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی و در مسیر تحقق آرمان‌های آن، بر اصولی چون مشارکت و حرکت عمومی و آزادی تصریح می‌کند، ولی هدایت و جهت‌گیری حرکت را بر اساس تعالی فردی و جمعی اسلامی مدنظر قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مورد جامعه مدنی می‌فرماید:

«جامعه مدنی ... البته یک تعبیر غربی است. جامعه مدنی، درست عبارت اخری و ترجمه تحت‌اللفظی عبارت فرنگی آن است و سابقه زیادی در فرهنگ ما ندارد. البته آنها مراد دیگری دارند که ما آن را اصلاً قبول نداریم. آن جامعه مدنی که غربی‌ها می‌گویند، با معیارهای ما مطلقاً سازگار نیست و با فرهنگ ما هم سازگاری ندارد؛ لیکن جامعه مدنی به معنای جامعه مردم‌سالار، جامعه‌ای است که در آن مقررات و قانون حاکم است.» [۳۹]

جامعه مدنی فعالیت‌های گروه‌های مردم و خواسته‌های مردم از دولت را در چارچوبی قانونمند و تنظیم‌شده ارائه می‌دهد و از انباشت آن جلوگیری می‌کند. جامعه مدنی برای ابلاغ افکار عمومی و در صورت لزوم، اعمال فشار بر دولت و حصارگری در مقابل تعديات دولت علیه مردم است. در صورتی که حلقه‌های میانی به شناسایی دقیق مسائل پرداخته و مطالبات و انتقادات مردم از دولت را به صورت هدفمند پیگیری می‌کنند. جامعه مدنی بین مردم و دولت تعریف می‌شود، در حالی که حلقه‌های میانی در تمامی سطوح جامعه؛ حاکمیت، دولت و مردم جریان دارد. جامعه

مدنی در پی کنترل و کانالیزه کردن مشارکت مردم است.

بر مبنای نظر ساختارگرایان فرانسوی، به خصوص لویی آلتوسر، جامعه مدنی دستگاه ایدئولوژیک دولت برای باز تولید خویش است. دولت از طریق نهاد آموزش و پرورش، رسانه‌ها، کلیسا، نظام اشتغال و حتی خانواده، ارزش‌های تولیدشده خود را به مردم تلقین می‌کند و از این طریق به کنترل آنها پرداخته و خود را باز تولید می‌نماید. بی‌توجهی ساخت‌گرایی به انسان و نقش او در تحولات، مهم‌ترین مانع بنیادین در برابر جامعه مدنی است؛ به طوری که میشل فوکو معتقد است مفهوم انسان ممکن است در دوره‌ای از تحول فرهنگ غرب به کلی محو شود و این امر در اثر تاکید بیش از حدی است که بر مفهوم ساخت می‌شود [۲۱]. ولی حلقه‌های میانی به دنبال زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی و حداکثرسازی اراده‌های انسانی و ظرفیت‌های مردمی در مسیر مشارکت مردم در حکمرانی، یا به تعبیر دقیق‌تر حکمرانی مردمی، می‌باشد.

## ۲-۶. نسبت حلقه‌های میانی با سایر نهادهای میانجی

### الف) نسبت سازمان‌های مردم‌نهاد و حلقه‌های میانی

سازمان‌های مردم‌نهاد رکنی از جامعه مدنی است که می‌تواند شکلی از حلقه‌های میانی باشد؛ لذا بررسی دقیق‌تر خصوصیات و کارویژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در نسبت با حلقه‌های میانی، به فهم عمیق‌تر این مفهوم کمک می‌نماید.

سازمان‌های مردم‌نهاد برای اولین بار در قطعنامه شورای اجتماعی-اقتصادی سازمان ملل متحد در فوریه ۱۹۵۰ با عنوان هر نوع سازمان بین‌المللی که با موافقت دولت تشکیل شده باشد، معرفی شده‌اند. بر اساس این تعریف، سازمان‌های مردم‌نهاد جنبه بین‌المللی نیز دارند [۲۲]. هر سازمانی که شکل‌گیری آن بر اساس موافقت‌نامه بین دولت‌ها یا نهادهای دولتی نباشد، غیردولتی به شمار می‌آید [۲۳].

اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل نیز این‌گونه عنوان می‌کند که توجه دادن مردم به اعمال دولت، فعالیت و خدمات انسان دوستانه، نظارت بر سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی از جمله فعالیت‌های این سازمان‌هاست. این سازمان‌ها کارشناسی و تحلیل امور، اقدامات هشداردهنده و نقشی مشابه را ایفا می‌کنند. بانک جهانی نیز تعریفی از سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه داده است؛ سازمانی که دولت در آن دخالتی ندارد و برای جامعه و از جانب جامعه شکل یافته است.

سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمن‌ها، سازمان‌هایی با شخصیت حقوقی مستقل، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیردولتی هستند که فعالیت اختیاری و داوطلبانه در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی و بشر دوستانه را بر مبنای اساسنامه مدون و رعایت قوانین موضوعه کشور انجام می‌دهند. تحولات جوامع بشری در سده‌های اخیر نشان داده است که اداره جوامع بشری بر محور سه رکن دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی استوار است. سازمان‌های مردم‌نهاد یا غیردولتی یکی از استوانه‌های جامعه مدنی به شمار می‌روند که در ارتباط نزدیک با مردم بوده و در تلاش‌اند مشکلات و مسائل مردم را به حاکمیت انتقال دهند. سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار دولت، برای احقاق حقوق عامه، بازوی توانمندی هستند [۲۴].

برای شناخت دقیق‌تر و عینی‌تر سازمان‌های مردم‌نهاد، در ادامه به بررسی ویژگی‌های این سازمان‌ها اشاره می‌شود:

**غیردولتی بودن:** منظور از غیردولتی بودن این است که بر اساس تصمیم دولت و در قالب بودجه عمومی صورت نگیرد و اشخاص حقوقی خصوصی یا حقیقی، مؤسس آن باشند.

**غیرانتفاعی بودن:** در آیین‌نامه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، غیرانتفاعی بودن این‌گونه ذکر شده است: «تقسیم دارایی، سود یا درآمد سازمان در میان مؤسسان، اعضا، مدیران و کارکنان آن قبل و پس از انحلال ممنوع است» [۲۴]. این بدان معناست که کسب درآمد و سود و انجام اقدامات صنفی و تجاری انتفاعی با هدف تقسیم منافع بین مؤسسان، اعضا و مدیران نباشد. البته باید در نظر داشت که غیرانتفاعی بودن، سازمان‌های مردم‌نهاد را از کسب درآمد به منظور اداره امور خویش منع نمی‌کند و سود و سرمایه حاصل از فعالیت‌های تجاری صرفاً برای تحقق اهداف سازمان یا سرمایه‌گذاری در خود سازمان باید باشد.

**تمایل به استقلال:** در آیین‌نامه سال ۱۳۸۴ مقرر شده است که «واژه غیردولتی به این معناست که دستگاه‌های حکومتی در تأسیس و اداره



سازمان دخالت نداشته باشند.»

**داوطلبانه و خودجوش بودن:** سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی به صورت داوطلبانه و بر اساس اراده اشخاص موسس شکل گرفته و اداره می‌شوند و از جانب هیچ دستگاه یا تشکیلات دولتی ایجاد یا اداره نمی‌شوند و انحلال آنها نیز به دست دستگاه‌های دولتی رقم نخواهد خورد. عضویت افراد در سازمان‌های مردم‌نهاد نیز داوطلبانه است.

غیرسیاسی بودن، دارا بودن شخصیت حقوقی، مدیریت دموکراتیک و مشارکتی، قانونمندی، تعهد و هدف مشترک، برنامه و فعالیت مشخص، جلب مشارکت و عضویت و امکان تکثیرپذیری، از دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات سازمان‌های مردم‌نهاد به شمار می‌رود.

دخالت فراوان دولت در فرایند تأسیس، اعطای مجوز و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد باعث شده است که برخی از اصطلاح سازمان‌های غیردولتی نیمه‌دولتی نیز در این خصوص استفاده نمایند [۲۴]. همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد اغلب دارای اهداف محدود و جزئی هستند، در حالی که حلقه‌های میانی اهداف بلند دارند و چندین مجموعه مردمی را متشکل و هم‌افزا می‌نمایند و وظیفه هدایتگری و ساماندهی گروه‌های مردمی را بر عهده دارند. سازمان‌های مردم‌نهاد برنامه و هدف مشخص و تعیین شده دارند، در حالی که حلقه‌های میانی در دوره‌ها و زمان‌های مختلف، اهداف خود را متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی و مسائل شناسایی شده تغییر می‌دهند. برخی از ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، مانند خودجوش و داوطلبانه بودن، شکل‌گیری بر اساس نیاز، جلب مشارکت مردمی و امکان تکثیرپذیری، در جریان حلقه‌های میانی نیز قابل مشاهده است.

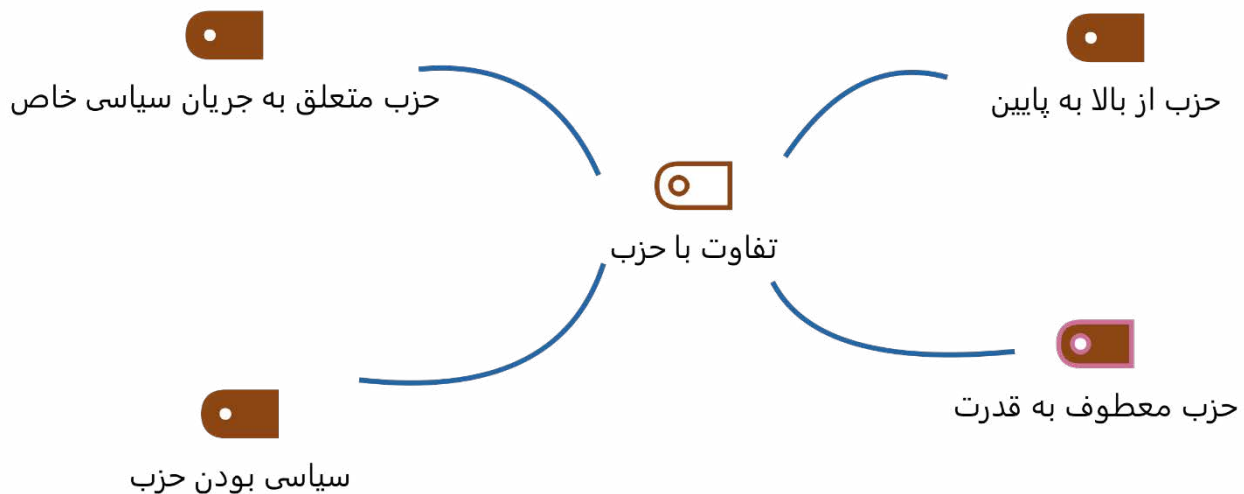
### ب) نسبت احزاب و حلقه‌های میانی

احزاب سیاسی یکی از متداول‌ترین روش‌های مشارکت مردم در امر سیاست می‌باشند. «حزب سیاسی سازمانی سیاسی است که از هم‌فکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم و برنامه سیاسی کوتاه‌مدت و درازمدت و با پشتیبانی مردم، عموماً برای به دست گرفتن قدرت سیاسی یا شرکت در آن از راه‌های قانونی مبارزه می‌کند» [۲۵].

کارویژه‌های احزاب سیاسی از نظر مریام (به شرح زیر است): گزینش نامزدهای انتخاباتی که ارزش پشتیبانی حزب را دارا باشند و حزب را به تصاحب کرسی‌های بیشتر در قوه مقننه قادر سازند. احزاب به تدوین سیاست‌های عمومی می‌پردازند تا در رقابت‌های انتخاباتی بر مبنای سیاست‌ها، برنامه‌ها و اعلامیه‌ها شرکت کنند. انتقاد از حکومت، کارویژه دیگر احزاب است. در نظام‌های دموکراتیک، حزب اکثریت حکومت را تشکیل می‌دهد و حزب اقلیت نقش اپوزیسیون یا متعادل‌کننده را ایفا می‌کند تا مانع خروج حزب اکثریت از مسیر مشخص شود. حزب مخالف تنها به انتقاد نمی‌پردازد، بلکه برنامه جایگزین نیز ارائه می‌دهد.

احزاب با آموزش سیاسی مردم، نقش مهمی در به صحنه آوردن مردم در انتخابات دارند. آموزش سیاسی از طریق مطبوعات، اجتماعات و تماس‌های فردی انجام می‌شود و احزاب از این طریق، طرفداران خود را نیز افزایش می‌دهند [۲۶]. با توجه به تعریف و کارکردهای احزاب، می‌توان تفاوت‌های آنها را با حلقه‌های میانی به صورت زیر برشمرد.

شکل ۶. تفاوت حلقه‌های میانی با حزب [۳۰]



مأخذ: داده‌های پژوهش.

همان گونه که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، احزاب معطوف به قدرت هستند و تمامی تلاش احزاب برای کسب قدرت یا بیشینه‌سازی آن صورت می‌گیرد. بر همین اساس، احزاب فعالیت‌های سیاسی دارند و متعلق به یک جریان سیاسی خاص هستند و نحوه مدیریت آنها از بالا به پایین است. مدیریت آنها در پایتخت متمرکز است و دفاتر آنها در مراکز استانی تابع سطوح بالاتر هستند. در صورتی که حلقه‌های میانی تلاشی برای کسب قدرت نمی‌کنند و بعضاً به تشبیت دولت نیز کمک می‌کنند. همچنین خودجوش و کاملاً مردمی هستند و از پایین به بالا و از بالا به پایین، جریانی سیال را شکل می‌دهند. این حلقه‌ها صرفاً سیاسی نبوده و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و حتی امنیتی و اطلاعاتی را نیز شامل می‌شوند.

### ج) نسبت گروه‌های نفوذ و حلقه‌های میانی

گروه‌های نفوذ نیز تا حدودی مانند احزاب، اما در سطحی پایین‌تر، بر نقش مردم در حکومت اصرار می‌ورزند. گروه‌های ذی‌نفوذ، گروه‌هایی هستند که با مداخلات خویش قوای عمومی کشور را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند تا امتیازهای مادی به دست آورند یا از ایدئولوژی و اهداف خویش دفاع کنند. به این گروه‌ها حکومت‌های پنهانی نیز گفته می‌شود. [۲۷]

احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. از جمله مهم‌ترین تفاوت‌ها این است که احزاب مستقیماً در پی به دست گرفتن قدرت هستند و در انتخابات‌ها نامزد تعیین می‌کنند، ولی گروه‌های ذی‌نفوذ به‌طور غیرمستقیم در مبارزه سیاسی حضور دارند و ضمن خارج ماندن از قدرت، تلاش دارند بر آن تاثیر بگذارند. همچنین در احزاب سیاسی، گروه‌های متفاوت و ناهمگن سیاسی، نژادی، طبقاتی و ... عضویت دارند و در پی منافع ملی هستند، در حالی که گروه‌های ذی‌نفوذ از اعضای تقریباً همگن با منافع و هدف‌های خاص مشترک برخوردارند و منافع و تمایلات گروهی در آنها ترجیح دارد. [۲۷]

با مشخص شدن تعریف گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توان عنوان کرد که گروه‌های ذی‌نفوذ بیشتر جنبه سیاسی دارند و در پی تاثیرگذاری بر قدرت سیاسی، ضمن خارج ماندن از آن، هستند و اهداف پنهانی خویش را در عرصه قدرت دنبال می‌کنند. در حالی که حلقه‌های میانی کاملاً با اهداف مشخص و شفاف، در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی فعالیت دارند. حلقه‌های میانی در راستای اهداف و آرمان‌های حاکمیت فعالیت می‌کنند و پیونددهنده دولت و مردم هستند تا بتوان از ظرفیت آنها برای پیشرفت جامعه استفاده کرد. در واقع، این حلقه‌ها تبلوری از نقش‌آفرینی و مشارکت مردم در جامعه مطلوب هستند.



## د) نسبت شتاب‌دهنده‌ها و حلقه‌های میانی

در اکوسیستم نوآوری معاصر، نهادهای حمایتی نقشی حیاتی در تبدیل ایده‌های نوپا به کسب‌وکارهای پایدار ایفا می‌کنند. در میان این نهادها، شتاب‌دهنده‌ها به‌عنوان یکی از مؤثرترین مدل‌ها برای پرورش استارت‌آپ‌ها ظهور کرده‌اند. این سازمان‌ها، برخلاف مدل‌های سنتی‌تر مانند مراکز رشد، برنامه‌هایی کوتاه‌مدت، فشرده و مبتنی بر هم‌گروهی ارائه می‌دهند که هدف آن تسریع رشد شرکت‌های نوپا در مراحل اولیه است [۲۸]. با این حال، کارکرد شتاب‌دهنده‌ها فراتر از ارائه صرف خدمات کسب‌وکار است؛ آنها به‌عنوان میانجی‌گران اجتماعی عمل می‌کنند که با ایجاد شبکه‌های اعتماد و همکاری، ظرفیت‌های بالقوه مردمی و نخبگانی را شناسایی، سازمان‌دهی و به فعلیت می‌رسانند. در ادامه، به بررسی ویژگی‌های کلیدی شتاب‌دهنده‌ها و تحلیل الگوی میانجی‌گری اجتماعی آنها در جهت آزادسازی پتانسیل‌های نوآورانه جامعه پرداخته می‌شود.

شتاب‌دهنده‌ها با چند ویژگی اصلی از سایر نهادهای حمایتی متمایز می‌شوند. نخست، فرایند پذیرش رقابتی آنها است. شتاب‌دهنده‌ها از میان تعداد زیادی متقاضی، تعداد محدودی از تیم‌ها یا استارت‌آپ‌ها را با پتانسیل رشد بالا انتخاب می‌کنند. این فرایند گزینشی، کیفیت ورودی‌ها را تضمین کرده و محیطی نخبگانی و پویا ایجاد می‌کند [۲۹].

دوم، ارائه سرمایه اولیه در ازای دریافت سهمی کوچک از سهام است. این سرمایه‌گذاری اولیه، اگرچه معمولاً مبلغ هنگفتی نیست، اما به تیم‌ها اجازه می‌دهد تا در دوره شتاب‌دهی، بدون دغدغه‌های مالی فوری، بر توسعه محصول و اعتبارسنجی مدل کسب‌وکار خود تمرکز کنند [۳۰]. این مدل، هم‌سویی منافع شتاب‌دهنده و استارت‌آپ را تضمین می‌کند، زیرا موفقیت شتاب‌دهنده مستقیماً به موفقیت شرکت‌های سبد سرمایه‌گذاری آن وابسته است.

سوم، ماهیت هم‌گروهی و زمان‌بندی معین برنامه‌ها است. استارت‌آپ‌ها به‌صورت گروهی وارد برنامه می‌شوند و یک دوره زمانی مشخص، معمولاً سه تا شش ماه، را با هم طی می‌کنند. این ساختار، یادگیری همتا به همتا، ایجاد رفاقت و رقابت سالم و شکل‌گیری یک هویت جمعی را تقویت می‌کند [۳۱]. برنامه با یک روز نمایش به اوج خود می‌رسد که در آن، تیم‌ها دستاوردهای خود را به سرمایه‌گذاران، شرکای تجاری و رسانه‌ها ارائه می‌دهند و فرصتی برای جذب سرمایه‌های بزرگ‌تر فراهم می‌آید.

چهارم و شاید مهم‌ترین ویژگی، دسترسی به شبکه مربیان و متخصصان است. شتاب‌دهنده‌ها شبکه‌ای گسترده از کارآفرینان موفق، سرمایه‌گذاران، مدیران صنعتی و متخصصان فنی را گرد هم می‌آورند که دانش و تجربه خود را به‌صورت فشرده در اختیار تیم‌ها قرار می‌دهند. این انتقال دانش عملی و مشاوره‌های تخصصی، منحنی یادگیری استارت‌آپ‌ها را به‌شدت کوتاه می‌کند و از بسیاری از خطاهای رایج جلوگیری می‌کند [۳۲].

فراتر از ویژگی‌های ساختاری، قدرت واقعی شتاب‌دهنده‌ها در نقش میانجی‌گری اجتماعی آنها نهفته است. در بسیاری از جوامع، ظرفیت‌های نوآورانه مردمی به‌صورت پراکنده، غیرمتمرکز و بالقوه وجود دارند. افراد مستعد، صاحبان ایده‌های خلاق و متخصصان فنی ممکن است به دلیل فقدان سرمایه، دانش کسب‌وکار، شبکه ارتباطی و اعتماد متقابل، نتوانند پتانسیل خود را به یک محصول یا خدمت ملموس تبدیل کنند. شتاب‌دهنده در این خلأ به‌عنوان یک نهاد میانجی عمل می‌کند و این ظرفیت‌های پراکنده را به یکدیگر متصل می‌سازد.

این الگوی میانجی‌گری مبتنی بر سه کارکرد اصلی است:

**۱) مشروعیت‌بخشی و اعتبارسنجی:** پذیرفته شدن در یک شتاب‌دهنده معتبر، به‌خودی‌خود مهر تاییدی بر ایده و تیم است. این اعتبار، جذب استعدادهای جدید، مذاکره با شرکای تجاری و جلب نظر سرمایه‌گذاران آتی را تسهیل می‌کند [۳۳]. شتاب‌دهنده با اعتبار خود، ریسک سرمایه‌گذاری بر یک تیم ناشناخته را برای دیگران کاهش می‌دهد.

**۲) شبکه‌سازی و ایجاد سرمایه اجتماعی:** شتاب‌دهنده‌ها با برگزاری رویدادها، کارگاه‌های آموزشی و جلسات مربی‌گری، عملاً هاب یا قانون شبکه‌ای ایجاد می‌کنند. آنها افراد و گروه‌هایی را که پیش از این ارتباطی با یکدیگر نداشته‌اند، مانند یک برنامه‌نویس جوان، یک استاد دانشگاه با تجربه و یک سرمایه‌گذار خطرپذیر، گرد هم می‌آورند و زمینه را برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی فراهم می‌سازند [۳۴]. این سرمایه اجتماعی در قالب اعتماد، هنجارهای متقابل و شبکه‌های ارتباطی، جریان دانش و منابع را در اکوسیستم تسهیل می‌کند.

**۳ ساختار سازی و توانمند سازی:** بسیاری از افراد با استعداد، فاقد دانش ساختار یافته برای راه‌اندازی کسب و کار هستند. شتاب‌دهنده‌ها با ارائه یک برنامه درسی مدون، هر چند غیر رسمی، و چارچوب‌های عملیاتی، فرایند پیچیده و آشوبناک کارآفرینی را ساختارمند می‌کنند. این ساختار، تیم‌ها را توانمند می‌سازد تا انرژی و خلاقیت خود را به‌طور مؤثر بر مهم‌ترین چالش‌ها متمرکز کرده و ظرفیت‌های خود را به بهترین شکل به فعلیت برسانند.

بنابراین، شتاب‌دهنده‌ها صرفاً کارخانه‌های تولید استارت‌آپ نیستند، بلکه نهادهایی با کارکرد اجتماعی عمیق هستند که از طریق الگوی میانجی‌گری، به فعلیت‌یابی ظرفیت‌های نوآورانه مردمی کمک می‌کنند. با فراهم آوردن بستری از سرمایه اولیه، مربی‌گری تخصصی، شبکه‌سازی متمرکز و اعتبارسنجی، این نهادها موانع کلیدی بر سر راه کارآفرینان نوپا را برطرف می‌سازند. در حقیقت، شتاب‌دهنده با ایفای نقش یک کاتالیزور اجتماعی، انرژی بالقوه موجود در میان جوانان، نخبگان و صاحبان ایده را به انرژی جنبشی تبدیل کرده و آن را در مسیر خلق ارزش اقتصادی و اجتماعی هدایت می‌کند. بنابراین، حمایت و توسعه شتاب‌دهنده‌های کارآمد می‌تواند یکی از راهبردهای کلیدی برای سیاست‌گذاران در جهت آزادسازی پتانسیل‌های انسانی و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان باشد. تفاوت و تمایز اصلی شتاب‌دهنده‌ها با حلقه‌های میانی، منطق سرمایه‌گذاری و بازار است که ماهیتاً با منطق فرهنگی و مردمی حلقه‌های میانی متفاوت است. حلقه‌های میانی مبتنی بر الگوی ساختاری تعاون‌محور، مردمی و غیرسرمایه‌محور عمل می‌کنند، هر چند در مواردی کنش اقتصادی و بازار محور نیز داشته باشند.

## ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با ارائه الگوی «مردمسالاری دینی»، توانسته است پارادایمی نوین در حکمرانی مبتنی بر تلفیق «حاکمیت الهی» و «مشارکت مردمی» عرضه کند. در این نظام، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای واسطه مردمی، نقش محوری در تحقق نظریه «امامت و امت» و تضمین پویایی «حرکت عمومی» به سمت تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی با کارکردهایی همچون شبکه‌سازی اجتماعی، شناسایی و حل مسائل اساسی، اقتناع و اعتمادآفرینی و تبدیل آرمان‌های کلان به برنامه‌های عملیاتی، نه تنها پل ارتباطی بین دولت و ملت هستند، بلکه بازوی اجرایی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب محسوب می‌شوند.

حلقه‌های میانی در جمهوری اسلامی برخلاف نهادهای مدنی غربی، صرفاً منتقل‌کننده خواسته‌های مردم نیستند، بلکه متشکل‌کننده اراده‌های مردمی و مجریان حرکت عمومی در مسیر تمدن‌سازی هستند. موفقیت این نهادها در گرو ویژگی‌هایی مانند استقلال از ساختارهای بوروکراتیک، نخبه‌گرایی انقلابی، و توانایی خودسازماندهی است.

حلقه‌های میانی به‌عنوان «فناوری نرم تحقق بیانیه گام دوم»، می‌توانند الگویی جهانی ارائه دهند. آینده انقلاب اسلامی در گرو تبدیل این نهادها به «موتور محرک حرکت عمومی» در جهت پیشرفت و تمدن‌سازی است؛ حرکتی که تنها با حفظ اصالت مردمی، انعطاف‌پذیری تشکیلاتی و التزام به آرمان‌های انقلاب ممکن خواهد بود.

تحلیل جایگاه حلقه‌های میانی در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این نهادها نقش کلیدی در تحقق «نظام امامت و امت» و تضمین پویایی حرکت عمومی ایفا می‌کنند. با این حال، به‌رغم ظرفیت‌های نظری و عملی این نهادها، چالش‌های ساختاری و عملکردی مانع از تحقق کامل کارکردهای آنها شده است.

بر این اساس، پیشنهادات راهبردی زیر برای تقویت جایگاه حلقه‌های میانی ارائه می‌شود:

### تعریف سازوکارهای قانونی برای به رسمیت‌شناسی نقش حلقه‌های میانی

تعریف سازوکارهای قانونی برای به رسمیت‌شناختن نقش حلقه‌های میانی، گامی اساسی در تقویت ساختارهای مردمی و انقلابی است. این سازوکارها با تعیین چارچوب‌های حقوقی و رسمی، به حلقه‌های میانی مشروعیت می‌بخشد و امکان فعالیت مؤثر و سازمان‌یافته آنها را فراهم



می‌کند. به رسمیت شناختن این نهادهای مردمی نه تنها از انحرافات احتمالی جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز مشارکت گسترده‌تر مردم در فرایندهای اجتماعی و سیاسی می‌شود. در واقع، قانونمند کردن این حلقه‌ها، پلی میان بدنه جامعه و نهادهای حاکمیتی ایجاد می‌کند و به تحقق گام دوم انقلاب کمک شایانی می‌نماید.

### تقویت شبکه‌های مردمی با آموزش و توانمندسازی نیروهای متعهد

توانمندسازی و آموزش نیروهای متعهد در حلقه‌های میانی، رمز پویایی و ماندگاری شبکه‌های مردمی است. این آموزش‌ها باید هم در بعد مهارت‌های مدیریتی و هم در بعد بینش انقلابی و اسلامی طراحی شود تا نیروها بتوانند به خوبی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش کنند. سرمایه‌گذاری بر روی تربیت نیروهای کارآمد و خلاق، تضمینی برای حفظ روحیه جهادی و جلوگیری از رکود در فعالیت‌های مردمی است. هر چه این حلقه‌ها از دانش و توانایی بیشتری برخوردار باشند، تأثیر آنها در پیشبرد اهداف انقلاب عمیق‌تر خواهد بود.

### شفاف‌سازی مالی و مدیریتی برای جلب اعتماد عمومی

شفافیت مالی و مدیریتی در عملکرد حلقه‌های میانی، پایه اصلی اعتماد عمومی به این نهادهاست. مردم زمانی حاضرند از این تشکلهای حمایت کنند که از صحت عملکرد مالی و اداری آنها اطمینان داشته باشند. انتشار گزارش‌های دوره‌ای، نظارت عمومی و پاسخگویی به دغدغه‌های مردم، نه تنها فسادپذیری را کاهش می‌دهد، بلکه مشروعیت اجتماعی این حلقه‌ها را نیز افزایش می‌دهد. در نظام اسلامی، شفافیت یک ارزش انقلابی محسوب می‌شود و رعایت آن، تضمینی برای حفظ مسیر صحیح حرکت جریان‌های مردمی است.

### ایجاد تعامل سازنده با نهادهای حکومتی و حاکمیتی

حلقه‌های میانی زمانی می‌توانند به درستی نقش آفرینی کنند که ارتباطی سازنده و مبتنی بر اعتماد متقابل با نهادهای حکومتی و حاکمیتی داشته باشند. این تعامل نباید به معنای وابستگی یا تضعیف استقلال مردمی باشد، بلکه باید در چارچوب اهداف انقلاب و نظام اسلامی صورت گیرد. همکاری متوازن با نهادهای دولتی و حاکمیتی، امکان استفاده از ظرفیت‌های قانونی و حمایت‌های رسمی را فراهم می‌کند، بدون آنکه روحیه خودجوش و مردمی این تشکلهای را تضعیف نماید.

### پرهیز از بوروکراتیک شدن و حفظ روحیه انقلابی و مردمی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی، خطر بوروکراتیک شدن و فاصله گرفتن از روحیه جهادی و مردمی است. برای جلوگیری از این آفت، باید ساختارها را ساده، چابک و پاسخگو نگه داشت و از ایجاد دیوان سالاری غیرضروری پرهیز کرد. حفظ ارتباط مستقیم با مردم، توجه به نیازهای روز جامعه و عملگرایی انقلابی، تضمینی برای تداوم حرکت پرشور این نهادها در مسیر آرمان‌های انقلاب است. اراده‌های مردمی در ساختار جمهوری اسلامی ایران، نقش حیاتی در پویایی و کارآمدی نظام سیاسی ایفا می‌کنند. تقویت حلقه‌های میانی به عنوان سازوکاری ضروری برای تحقق اراده‌ی عمومی در چارچوب اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند. این فرایند، زمینه‌ساز عینیت یافتن مشارکت مردمی در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است. در صورت عدم حمایت از این سازوکارها، اجرای الگوی حکمرانی مردمی با کاستی‌های ساختاری مواجه خواهد شد.

جدول ۲. پیشنهاد توصیه سیاستی ویژه گزارش‌های راهبردی

ملاحظات	زمان بندی اجرا (کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت)	دستگاه معین	دستگاه متولی	الزامات و قیود اجرایی	توصیه سیاستی	نوع توصیه		ردیف
						اصلاح**	تداوم*	
قانون نباید به حدی سخت‌گیرانه باشد که روحیه مردمی و استقلال این نهادها را از بین ببرد	کوتاه‌مدت (تدوین پیش‌نویس لایحه) میان مدت (تصویب قانون) بلندمدت (اجرائی شدن و رفع نواقص)	شورای عالی انقلاب فرهنگی	مجلس شورای اسلامی (کمسیون فرهنگی و اجتماعی)	- تدوین لایحه قانونی با حفظ استقلال عمل این نهادها و جلوگیری از بوروکراتیک کردن آنها. - مشورت با خود این نهادها در فرایند قانونگذاری	تعریف سازوکارهای قانونی برای به-رسمیت‌شناسی نقش حلقه‌های میانی	*		۱
آموزش‌ها باید ترکیبی از مهارت‌های مدیریتی، اجتماعی و بینش اسلامی-انقلابی باشد	کوتاه‌مدت (نیازسنجی آموزشی) میان مدت (برگزاری دوره‌های دانشجویی) بلندمدت (اجرائی و سراسری و نهادینه‌سازی)	دانشگاه‌ها و مراکز علمی	سازمان بسیج مستضعفین سازمان تبلیغات اسلامی	- تأمین بودجه و منابع آموزشی - تجربه‌نگاری گروه‌های مردمی موفق - تهیه بانک داده مریبان دارای تخصص و بینش انقلابی - طراحی دوره‌های آموزشی-تربیتی کاربردی	تقویت شبکه‌های مردمی با آموزش و توانمندسازی نیروهای متعهد	*	*	۲
استقلال و ماهیت مردمی حلقه‌های میانی باید در این تعامل کاملاً حفظ شود.	کوتاه‌مدت (شناسایی نهادهای کلیدی و ایجاد کانال ارتباطی) میان‌مدت (ایجاد سازوکارهای رشد دهنده و تسهیل‌گر) بلندمدت (نهادینه شدن ارتباط و همکاری متوازن)	مجلس شورای اسلامی	سازمان بسیج مستضعفین نهادهای حاکمیتی و حکومتی مرتبط	- تعریف سازوکارهای مشخص و شفاف برای ارتباط، بدون ایجاد رابطه سلسله‌مراتبی و بوروکراسی زائد - تشکیل کمیته‌های مشترک کاری	ایجاد تعامل سازنده با نهادهای حکومتی و حاکمیتی	*		۳
کارآمدی این سیاست، بیش از آنکه متکی بر تدوین پروتکل‌های اداری باشد، منوط به نهادینه‌سازی فرهنگی و استقرار مکانیسم‌های نظارتی درون‌سازمانی است.	کوتاه‌مدت (فرهنگ‌سازی و هشدار درباره این خطر) میان‌مدت (اصلاح ساختارهای موجود) بلندمدت (نظارت مستمر به عنوان یک اصل ثابت)	شورای عالی انقلاب فرهنگی سازمان بسیج مستضعفین	خود حلقه‌های میانی با نظارت مردمی	- پایش مستمر عملکرد این نهادها از نظر حفظ چابکی و پاسخگویی مردمی - اجتناب از ایجاد ساختارهای اداری پیچیده برای آنها	پرهیز از بوروکراتیک شدن و حفظ روحیه انقلابی و مردمی	*		۴

مأخذ: داده‌های پژوهش.



## منابع و مآخذ

- [۱] دبیرنیا، علیرضا و زهرا بیدار، (۱۳۹۵)، «نقش و جایگاه مردم در حکومت: سیر تحول و تکامل مفهوم از قانون اساسی مشروطه تا قانون اساسی جمهوری اسلامی»، اندیشه‌های حقوق عمومی، سال پنجم، شماره ۲.
- [۲] ح. بشریه، (۱۳۸۰)، درس‌های دمکراسی برای همه، تهران: مؤسسه پژوهش نگاه معاصر.
- [۳] د. هلد، (۱۳۶۴)، مدل‌های دمکراسی، تهران: انتشارات مروارید.
- [۴] ا. لوین، (۱۳۸۰)، نظریه لیبرال دمکراسی، تهران: انتشارات سمت.
- [۵] ک. کوهن، (۱۳۷۴)، دمکراسی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- [۶] خامنه‌ای، سید علی، in ۱۴۰۱/۱۰/۱۲.
- [۷] خامنه‌ای، سید علی، in ۱۳۸۸/۵/۱۲.
- [۸] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۹/۹/۱۲.
- [۹] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸/۸/۸.
- [۱۰] خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۱] خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۹)، صحیفه امام، جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۲] خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۹)، صحیفه امام، جلد ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۳] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۶۲/۵/۴.
- [۱۴] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۵/۳/۱۴.
- [۱۵] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸/۱۲/۶.
- [۱۶] ع. ب. نصرآبادی، (۱۳۸۷)، «ولایت و ولایتمداری از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه حصون، شماره ۱۵.
- [۱۷] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۹/۹/۴.
- [۱۸] م. ع. ش. آبادی، (۱۳۸۰)، شذرات المعارف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۱۹] م. م. یزدی، آموزش فلسفه، جلد ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۲۰] اخوان نیلچی ن. پیشران‌ها و روندهای پیش‌روی جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان حلقات میانی مردم‌پایه و سناریوهای آینده آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شاهد؛ ۱۴۰۲.
- [۲۱] م. ف. شیروانی، (۱۳۹۸)، مقام مردم، قم: انتشارات پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم.
- [۲۲] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۶۹/۳/۱۴.
- [۲۳] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۴/۳/۱۳.
- [۲۴] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
- [۲۵] خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۰/۵/۱۲.
- [۲۶] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.
- [۲۷] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۱/۷/۳۰.
- [۲۸] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸/۳/۱.
- [۲۹] م. س. ذکایی، (۱۳۸۱)، «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- [۳۰] اخوان، نفیسه، محمدرحیم عیوضی و مهدی نادری، (۱۴۰۳)، «طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری»، دانش سیاسی، سال ۲۰، شماره ۱.
- [۳۱] حکمرانی مردمی، تأملاتی در باب جامعه‌پردازی مردم‌نهاد و تحول در حکمرانی، تهران: معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۳۲] حکمرانی نوین، تهران: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم..

- [۳۳] م. خیاطیان، (۱۴۰۱)، «سخنرانی در همایش «جریان‌های حلقه‌های میانی؛ پیش‌ران حکمرانی مردمی»، جریان‌های حلقه‌های میانی؛ پیش‌ران حکمرانی مردمی، تهران، <https://dolat.ir/detail/۳۸۷۳۳۱>.
- [۳۴] س.ع. خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۲۰.
- [۳۵] م. دشتی، (۱۳۸۴)، نهج‌البلاغه، قم: انتشارات موعود اسلام.
- [۳۶] خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، جلد ۱۷.
- [۳۷] ع. مشکینی، تحریر المواعظ العددیه، قم: نشر الهادی.
- [۳۸] م. مجلسی، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، جلد ۷۵، قم: اسلامیه.
- [۳۹] م. بهشتی، (۱۳۸۴)، بایدها و نبایدها، تهران: نشر بقیه.
- [۴۰] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.
- [۴۱] غ.ع. توسلی، (۱۳۷۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- [۴۲] م. سعیدی، (۱۳۹۲)، مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۴۳] سازمان ملل، «قطعنامه ۱۹۹۶، ماده (۱۲)».
- [۴۴] س. مقیمی، (۱۳۸۳)، کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی ایران، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- [۴۵] ع. آقابخش، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- [۴۶] ع. عالم، (۱۳۷۶)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- [۴۷] ح. م. نژاد، (۱۳۷۳)، احزاب سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- [48] Cohen, S., & Hochberg, Y. V. (2014), "Accelerating startups: The seed accelerator phenomenon.", SSRN Electronic Journal, p. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2418000>.
- [49] Pauwels, C., Clarysse, B., Wright, M., & Van Hove, J., (2016), "Understanding a new generation of entrepreneurial support: A conceptual framework for seed accelerators.", Technovation, p. <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2015.09.002>.
- [50] Miller, P., & Bound, K., (2011), "The startup factories: The rise of accelerator programmes to support new technology ventures.", Nesta.
- [51] Cohen, S., & Hochberg, Y. V., (2014), "Accelerating startups: The seed accelerator phenomenon. SSRN Electronic Journal.", SSRN Electronic Journal, p. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2418000>.
- [52] Pauwels, C., Clarysse, B., Wright, M., & Van Hove, J., (2016), "Understanding a new generation of entrepreneurial support: A conceptual framework for seed accelerators", Technovation, p.. <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2015.09.002>.
- [53] J. K. (2009), Christiansen, Copying Y Combinator: A framework for developing seed accelerator programmes., University of Copenhagen.
- [54] R. S. Burt, (2000), "The network structure of social capital. , 22, 345-423", Research in Organizational Behavior, pp. [https://doi.org/10.1016/S0191-3085\(00\)22009-1](https://doi.org/10.1016/S0191-3085(00)22009-1).
- [۵۵] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸/۳/۱.



## گزیده سیاستی

حلقه‌های میانی با کارکردهایی مانند سازمان‌دهی مجموعه‌های مردمی، شناسایی و حل مسائل اساسی و اقناع و اعتمادآفرینی، ارکان ضروری تحقق «حرکت عمومی» در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)